

صدرای شیرازی بود که پایبند مش بود. در تدریس و تصنیف به سبک فلاسفه مشایی (از جمله ابن سینا) عمل می کرد. او علاقه مند به مرتب کردن مبانی و اصول فلسفه ابن سینا بود و شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی را بهترین کتاب فلسفی می دانست. او از اساتید حکمت اشراقی بود که حرکت جوهری را که اساس فلسفه استادش ملاصدرا بود، قبول نداشت و موافق نظر ابن سینا بود. و نیز، با اصل دیگر فلسفی که مورد نظر ملاصدرا بود یعنی اصالت وجود، مخالف بود. نظرش درباره عرفان و فلسفه این است که: راه عقل و عشق یکی است. عقل راه ظاهر است و عشق راه باطن و هر دو در حقیقت در دین اسلام و شریعت محمدی نمایان است (دیوان فیاض، مقدمه، ۱۷).

فیاض لاهیجی صاحب تألیفات متعدد در کلام و فلسفه است که خود حاکی از تبخّر وی می باشد از جمله: حاشیه جواهر و اعراض، شرح تجرید قوشجی، که در آن به ویژه به بیان اختلاف حکیمان از یونان تا شیخ اشراق در موضوع علم واجب الوجود پرداخته است؛ حاشیه بر حاشیه خفّری بر الهیات شرح تجرید که به درخواست شاگردان خود ترتیب داد؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله بزدی بر تهذیب المنطق سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر حاشیه اشارات که ناتمام مانده است؛ حدوث العالم، دیوان شعر به فارسی، شرح الهیا کل النور، حکمت اشراقی سهروردی. شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام که شرحی متقن بر تجرید خواجه نصیر طوسی از اول تا مسأله کلام الهی و دارای تحقیقات ارزنده ای است، هر چند این شرح ناتمام مانده اما بر بسیاری از شروح تجرید ارجحیت دارد؛ الکلمات الطّیبه در حکومت میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت (میرداماد) یا اصالت وجود (ملاصدرا) به نام شاه عباس ثانی (م ۱۰۷۸ ق) نوشته شده و چندبار به طبع رسیده است؛ مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام تا مبحث امور عاقه. لاهیجی از آغاز تا مسأله کلام الهی را مورد شرح و تحقیق قرار داده است؛ گوهر مراد به فارسی در مسائل کلام و حکمت. لاهیجی این اثر را نیز برای شاه عباس ثانی نگاشته و در آن مسأله امامت را در طی کلامی طولانی مورد بحث قرار داده و به خوبی از عهده آن برآمده است؛ سرمایه ایمان که گزیده کتاب گوهر مراد به فارسی روان و سلیس و مهمترین کتاب او در علم کلام است که از زمان تألیف تا کنون مورد توجه و استفاده اهل نظر و از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است. ملاعبدالرزاق لاهیجی با تخلص شعری فیاض جزء تواناترین و مشهورترین شاعران عصر خویش بود. دیوان او شامل مجموعه ای از قصیده ها و ترکیبها و ترجیعها شامل ۲۷۵۰ بیت در

فحاشی، مسعود آهسته پیش رفته، خنجری که در کمر داشت برکشید و پیش برادر دوید و شکمش را پاره کرد و او را به قتل رساند. مدت حکومت عبدالرزاق را دو سال و چهار ماه تا ذی الحجه یا صفر ۷۳۸ ق دانسته اند.

منابع: روضة الصفا، میرخواند، ۴۴۹۳/۵؛ حبیب السیر، خواند میر، ۳۵۶/۳؛ خواجه عبدالرزاق سربداری، سید حسین رئیس السادات، مجله مشکوة، شماره ۳۴، ۱۳۷۱، ۱۴۳؛ قیام شیعی سربداران، یعقوب آژند، ۱۳۶؛ تذکرة الشعراء، دولت شاه سمرقندی، ۲۰۶؛ قیام حکومت شیعی سربداران، مدیر شانه چی، یادنامه ابوالفضل بیهقی، ۶۳۳؛ زیادة التواریخ، حافظ ابرو، ۸۱/۱؛ مطلع السعدین و مجمع البحرین، عبدالرزاق سمرقندی، ۱۴۶.

حسین سرمد محمدی

### عبدالرزاق کاشانی ← کاشانی، عبدالرزاق

عبدالرزاق لاهیجی، ملقب و متخلص به فیاض، فیاض لاهیجی یا محقق لاهیجی (م ۱۰۷۲ ق)، فرزند علی بن حسن، دانشوری فاضل، حکیمی کامل، محقق مدقق و صوفی مشرب، ادیب و شاعری ماهر و متکلم بزرگ امامیه سده یازدهم هجری است. ملاعبدالرزاق لاهیجی شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی (م ۱۰۵۰ ق)، هم داماد و همکلاس ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) بود. همچنین با ملا محمد یوسف الموتی و شیخ حسن تنکابنی (م ۱۱۰۵ ق) که از عشره مبشره شاگردان ملاصدرا محسوب می شوند، همدرس بود. اصل وی از لاهیجان اما به دلیل اقامت طولانی در قم و تدریس در مدرسه معصومه (ع)، به قمی نیز اشتهار یافت. در حکمت، کلام، منطق، شعر و ادب و دانشهای معقول تبخّر داشت. فیاض لقبی بود که استادش ملاصدرا به وی داده است. فیاض سفرهایی به هند، شیراز، اصفهان و کاشان داشته است، اما به علت دل بستگی و آفری که به شهر قم داشته در آنجا سکنی گزید. ایشان به تبعیت از صدرالدین در امور سیاسی دخالتی نمی کرد. گروهی از دانشوران از محضر وی بهره ها برده اند و افتخار شاگردی داشته اند. از جمله فرزند خَلَفَش میرزا حسن که بهترین شاگرد پدر و صاحب کتابهای مصباح الهدی و مفتاح الشئی، شمع الیقین، آینه حکمت، الفقه الفرقة، بدایع الحکم، انبیا الرجعه، اصول الدین بود. او همانند پدر در کلام و حکمت توانا و دستی قوی داشت. میرزا ابراهیم فرزند و شاگرد دیگر او نویسنده کتاب القواعد الحکمیة و الکلامیه است.

عقاید فکری و فلسفی فیاض لاهیجی: فیاض تنها شاگرد

MADDE YAYIMLANDIKTAN

SELEN DOKÜMANI

29 Haziran 2018

دائرة المعارف تشیع، جلد یازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۹۱ ISAM DN. 257995

442. RICHARD, Y. *Le Gowhar-e morād de 'Abdorrazzāq Lāhijī*, thèse de 3<sup>e</sup> cycle. Univ. Paris IV, 1980, 241-125 p.

Ce travail comprend une présentation claire et documentée du milieu intellectuel et de l'œuvre du grand disciple de Mollā Šadrā, l'édition du texte du *Gowhar-e morād*, et la traduction des passages principaux. Ce traité, où Lāhijī aborde les principaux thèmes doctrinaux de la pensée islamique (Révélation, eschatologie, connaissance métaphysique) tente d'ordonner les apports de la Révélation coranique, de la pensée discursive et de la voie spirituelle (išrāq, soufisme) selon des rapports de complémentarité. Il représente une tentative intéressante et souvent originale de concilier une démarche soufie, gnostique, avec une stricte orthodoxie musulmane chiite. P. L.

120023 Lāhijī, 'Abd al-Razzāq 91-933410

Lāhijī, Fayyāz, d. 1651?  
Divān-i Fayyāz Lāhijī : qasā'id, għazaliyāt, qitā'āt, maḡnaviyāt va rubā'iyāt / bih ihtimām va taḡhīh-i Abū al-Ḥasan Parvīn ParTāhānzādah. -- Chāp-i 1. -- [Tehran] : Shirkat-i Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī, vābastah bih, Vizārat-i Farhang va Āmūzish-i 'Alī, 1369 [1990] 15, 430 p. ; 24 cm.  
Poems.  
In Persian; romanized record.  
Includes bibliographical references.  
Title on added t.p.: The divān of Fayyad Lāhidji.  
"Shirkat-i Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī, 267."  
225.00IR (\$19.06 U.S.)

01 ARALIK 1989

عبد الرزاق بن علي اللاهيجي  
سرمایه ایمان و اثبات اصول العقائد  
بطریق البرهان  
ک ۷۷، ۱۱، ۱۱۰

Abdurrazzak b. Ali et-Lahici

11 HAZIRAN 1993

Lāhici, Abdurrazzak

Browne  
L. H. Persia  
IV. 408, 435-436

891.59

Lāhijī, 'Abd al-Razzāq, Gawhar-i murād : bā tashīh va taḡhīg / ta'lif-i 'Abd al-Razzāq Fayyāz Lāhijī. Chāp-i 1. Tihārān : Sāzmān-i Chāp va Intishārāt-i Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, 1372 [1993] 7500.00IR (\$30.00 U.S.) 751 p. : ill. ; In Persian; romanized record. Includes bibliographical references. Philosophical treatise on Islamic theology. For requesting libraries only.

22 ARALIK 89

25 MART 1992

133. al-Lāhici, 'Abd al-Razzāq b. 'Alī b. al-Ḥusayn (ölm. 1050 h. = 1640 m., GAL, S. II, 590, Kaḥḥāla V, 218).  
*Gawhar-i murād* (kelām)  
Baş : کوهر مرادی غواص فکرت را از دریای حیرت ...  
Tavşanlı nr. 2325 (270 yaprak, ist. XIII. asır).

Lāhici Abdurrazzak b. Ali

Lāhijī, 'Abd al-Razzāq, 17th cent.  
Guzīdah-i Gawhar-i murād / nivishtah-i 'Abd al-Razzāq Lāhijī ; bā muḡaddimāh va taḡhīhāt va vāzḥānāmāh, bi-ihitimām-i Šamad Muvaḥḥid. -- Chāp-i 1. -- Tihārān : Kitābkānah-i Ṭāhūrī, 1364 [1985 or 1986] 15, 405, [1] p. ; 24 cm.  
In Persian; romanized record.  
Running title: Gawhar-i murād.  
Glossary: p. [383]-398.  
Bibliography: p. 406.  
Includes index.  
1100.00IR (pbk.)  
For requesting libraries only.  
(Philosophical treatise on Islamic theology; Shiite viewpoint)

Lāhici, Abdurrazak  
(öl: 1051 h.)

5021

Abdullah Nisne  
Felsefeti - Şi'a  
328-329

10933 BINĀ'Ī, Mullā (Kamāl al-Dīn). In praise of Shaikh Muḥammad Lāhijī. Tr. Glünz, M. *Qasida poetry in Islamic Asia and Africa. Volume Two: Eulogy's bounty, meaning's abundance: an anthology*. Ed. S. Sperl & C. Shackle. Consultant: N. Awde. Leiden: Brill, 1996 (Studies in Arabic Literature, XX), pp. 176-181; 435-436 [Persian text of qasida, with facing English translation.]

01 MAYIS 2001

SPEKTRUM IRAN, c. 1 (s. 2), s. 77, 1988 (BONN)

- Lāhici Abdurrazak b. Ali

Neuerscheinungen / Buchbesprechungen

77

sind. Drei Abschnitte aus dem ersten Band dieser Bibliographie (über Avesta, Altpersisch und Pahlewi) wurden überarbeitet, und die Zusätze und Erweiterungen sind in diesem Band veröffentlicht. Am Ende befindet sich ein Abschnitt über iranische Sprachen und Literatur, der als Anhang schon dem zweiten Band beigegeben war.

#### Religion und Philosophie

'Abd ar-Razzāq b. 'Alī Lāhijī: *Gozide-ye Gowhar-e morād* (Eine Auswahl aus dem *Gowhar-e morād*). Mit einer Einführung, Erläuterungen und Glossar. Hrsg. von Šamad Muvaḥḥed. Teheran: Ṭāhūrī 1364/1985-86, 15 + 405 S.

Dieses Buch kann man als eines der besten und umfassendsten bezeichnen, die je über die islamische Philosophie geschrieben worden sind. Der hier vorgelegte Band eignet sich sehr gut für den Unterricht an Universitäten, da die getroffene Auswahl dem Gesamtbild der philosophischen, theologischen und mystischen Themen keinen Abbruch tut. Ausgelassen wurden lediglich die Widmung für Schah 'Abbās II, Details zur aristotelisch-ptolemäischen Astronomie u. ä.

01 ARALIK 1983

۱۲۸۶ خلخالی، صادق . " پژوهشی درباره علل ظهور هنر و عرفان در ایران " . کیهان ( ۲۵ فروردین ۱۳۶۲ ) : ص ۱۴ .  
بیرامون زندگی و شخصیت عرفانی شیخ صدرالدین قونوی و شیخ عبدالرزاق لاهیجی .  
Lāhici, Abdurrazak b. Ali

*Liberté ou libération?: A partir des libertés bergsoniennes*, Algiers: Société nationale d'édition et de diffusion, 1974.

*Douleurs rythmées*, Algiers: Société nationale d'édition et de diffusion, 1974.

*Le monde de demain: le Tiers-Monde accusé*, Casablanca: Dar-el-Kitab, 1980.

*La crise des valeurs*, Rabat: Editions Okad, 1987.

*Faces et prefaces*, Rabat: Editions Okad, 1991.

IBRAHIM KALIN

LAHIJI, 'Abd al-Razzaq (d. 1072/1662)

'Abd al-Razzaq b. Ali b. Husayn Gilani al-Lahiji was one of the major scholars of the late Safavid period. Little is known of his life other than the fact that he was a student and son-in-law of MULLA SADRA. He wrote a number of works on philosophy and philosophical *kalam*. His overall philosophical tone is less mystical than that of Mulla Sadra. Furthermore, he did not fully agree with the two key ideas of Sadra, that is, the principality of being (*asalat al-wujud*) and substantial motion (*al-harakat al-jawhariyya*). But he sought to reformulate the concept of *hikmat* as philosophical wisdom and theology, a train of thought whose roots can easily be found in Sadra.

His philosophical works combine elements from IBN SINA, SUHRAWARDI, Nasir al-Din AL-TUSI, and his own teacher Mulla Sadra. His *Hashiya-yi Kitab-i Isharat* (Gloss over Ibn Sina's *Isharat*) is a commentary on Tusi's commentary on the *Isharat*, Ibn Sina's last major work. Tusi's influence on Lahiji is also to be seen in his commentary entitled *Shawariq al-ilham fi sharh tajrid al-kalam* (The Dawn of Intuition in the Commentary on al-Tusi's *Tajrid al-kalam*). This

is probably Lahiji's most important work in philosophical *kalam*. His commentary on Suhrawardi's *Hayakil al-nur* (Temples of Light) points to Lahiji's interest in the Illuminationist tradition. Like Suhrawardi and Mulla Sadra before him, Lahiji develops a doctrine of *mundus imaginalis* ('*alam al-mithal*) as an intermediary stage between the world of pure spirits/intelligible substances and the world of corporeal existence. He distinguishes the world of archetypes from the world of Platonic Forms by saying that while the Platonic Forms are completely disengaged from matter and designate "universal forms of knowledge," the beings of the archetypal world are "particular forms that are separate from matter but by no means from all material envelopes."

Lahiji's two Persian works are *Gawhari Murad* (The Desired Substance) and *Sarmaya-yi Iman* (Faith's Capital). These are devoted mostly to the development of a philosophical *kalam* with strong Illuminationist and mystical tendencies. In the *Gawhar*, Lahiji compares and contrasts the methods of the philosophers and the mystics without necessarily opting for one over the other. Nevertheless, in comparing the two paths of the "exoteric" (*zahir*) and "esoteric" (*batin*), he says that the former leads one to the knowledge of God whereas the latter to the Divine himself. Lahiji also discusses representational ('*ilm husuli*) and presential knowledge ('*ilm huduri*) as two distinct modes of knowledge.

Lahiji was also a poet of some stature and wrote a *diwan* containing over five thousand verses. Like many of his colleagues in the "School of Isfahan," Lahiji's poetry is more mystical than his prose writings.

## BIBLIOGRAPHY

- Shawariq al-ilham fi sharh tajrid al-kalam*  
Isfahan: Intisharat-i Mahdawi, 1980.  
*Diwan-i Feyyaz* ("The Divan of Feyyaz"),  
Tehran: Mu'assasa-yi wa Intisharat-i  
Danishgah-i Tehran, 1993.

25 KASIM 1007

خلخالی ، صادق . " پژوهشی درباره علل ظهور هنر و عرفان در ایران " .  
کیهان ( ۲۹ فروردین ۱۳۶۲ ) : ص ۶ .  
درباره ملا عبدالرزاق لاهیجی و فیض کاشانی .

۱۲۸۷

- LAHIJI, ABDUR-  
REZZAK B. ALI

Lahiji Abdurrazzak b. Ali

LAHIJI!

HORTEN, M.: Die philosophischen und theologischen  
Ansichten von Lahîgi (ca. 1670), *Islam* 3, 1912,  
pp. 91-131.

17 NISAN 1995

إشراف. جعفر السبخاني، معجم طبقات المتكلمين، الجزء الرابع، قم ١٤٢٦،

ص، ١١٣-١١١. ISAM KTP DN:144558

القرن الحادي عشر ..... ١١١

٤٢١

## اللاهيجي\*

(....١٠٧٢هـ)

عبد الرزاق بن علي بن الحسين اللاهيجي الجيلاني، القمي، الملقب بالفتياض، أحد أبرز علماء الإمامية بالفلسفة والمنطق والكلام. لم يُعرف تاريخ ومحل ولادته ونشأته، وكل ما عُرف عنه أنه كان يسكن مدينة قم المشرفة.

تلمذ للفيلسوف المتكلم السيد محمد باقر بن محمد الأسترابادي الأصفهاني المعروف بالدمااد (المتوفى ١٠٤١هـ)، وللفيلسوف الشهير صدر الدين محمد بن إبراهيم الشيرازي ثم القمي المعروف بالملا صدرا (المتوفى ١٠٥٠هـ)، وصباهه

\* أمل الأمل ١٤٨/٢ برقم ٤٣٥، رياض العلماء ٣/١١٤، روضات الجنات ٤/١٩٦ برقم ٣٧٦، هدية العارفين ١/٥٧٦، إيضاح المكنون ٢/٥٩ و ٣٩٥، الفوائد الرضوية ٢٢٩، الكنى والألقاب ٣/٣٦، هدية الأحباب ٢١٣، أعيان الشيعة ٧/٤٧٠، ربحانة الأدب ٤/٣٦١، طبقات أعلام الشيعة ٥/٣١٩، الذريعة ٤/١٩٠ برقم ٦٦/٦، ٩٤٥ برقم ٣٤١ و ٢٩٤ برقم ١٥٧١، ١٤/٢٣٨ برقم ٢٣٦٦، ١٨/٢٥٠ برقم ٢٥٨، ٢١/٣٢ برقم ٣٨١٩، ومواضع أخرى، الأعلام ٣/٣٥٢، معجم المؤلفين ٥/٢١٨، فلاسفة الشيعة ٢٩٥، گوهر مراد، المقدمة بقلم زين العابدين قرباني اللاهيجي، معجم التراث الكلامي ٢/٢٧٢ برقم ٣٧٣٢، ٣/١٤ برقم ٤٧٩٦ و ٣٦ برقم ٤٨٨٩ و ٨٦ برقم ٥١٣٨، ٤/١٢٦ برقم ٨١٤١ و ٥٥١ برقم ١٠١١٧، ٥/١١٢ برقم ١٠٧٦١.

إشراف. جعفر السبخاني، معجم طبقات المتكلمين، الجزء الرابع، قم ١٤٢٦،

ص، . ISAM KTP DN:144558

معجم طبقات المتكلمين/ج ٤ ..... ١١٠

وناظر الحكيم موسى<sup>(١)</sup> بن محمد الرومي المعروف بقاضي زاده في مسألة الإمامة والخلافة بمحضر الشاه عباس الأول الصفوي (المتوفى ١٠٣٨هـ). وكان - كما يقول عبد الله الأفندي - عالماً محققاً متكلماً شاعراً منشئاً. وضع مؤلفات، منها: التحفة الشاهية (ط) بالفارسية في الإمامة وفيه مناظرته مع قاضي زاده المذكور، كتاب في الإمامة (لعله بالفارسية)، حاشية على شرح القوشجي لـ «تجريد الاعتقاد» لنصير الدين الطوسي (خ) في إثبات الصانع وصفاته وآثاره، حاشية على مبحث الجواهر والأعراض من الشرح المذكور (خ)، حاشية على «إثبات الواجب» لجلال الدين الدواني (خ). وديوان شعر بالفارسية، وغير ذلك. لم نظفر بتاريخ وفاته.

١. كان عالماً بالرياضيات والفلك والحكمة. من أهل يروسه (بتركيا). سافر إلى خراسان وماوراء النهر له مصنفات (انظر الأعلام ٧/٣٢٨). وثمة عالم آخر يُعرف بقاضي زاده أيضاً هو: شمس الدين أحمد بن محمود الأدرنوبي الفقيه الحنفي، توفى قضاء حلب والقسطنطينية، وتوفى سنة (٩٨٨هـ). انظر الأعلام ١/٢٥٤.

شرعی است، از این رو کودکان پیش از رسیدن به این سن مشمول عقوبتهای شرعی سرقت نمی‌باشند، لیکن این بدان معنی نیست که کودک سارق به طور مطلق از عقوبت معاف باشد، بلکه شرع مقدس با توجه به ناآگاهی و کم‌تجربگی و عدم تحمل کودک، عقوبتهای ویژه‌ای برای آنان وضع نموده که متناسب با شرایط سنی آنها می‌باشد. این عقوبت این گونه است که اولین و دومین سرقت کودک از سوی شرع مورد عفو و اغماض قرار گرفته است، و کودک پس از دستگیری در سرقت نخست و دوم، بند و اندرز داده شده و او را از انجام و تکرار این کار بر حذر می‌دارند. در سومین سرقت به تناسب سن او رفتار می‌شود، بدین معنی که قاضی حق دارد با توجه به وضعیت و سن کودک او را تعزیر نماید یا بند نخست انگشتان او را قطع نماید یا دستور دهد قسمتهایی از گوشت پیرامون انگشتان او را قطع نمایند، و یا پیرامون ناخنها و انگشتان او آن قدر ساییده شود تا خون جاری گردد. تمام این عقوبتهای سبک برای آن است که کودکی که عادت به سرقت نموده دست از عادت ناشایست خود بردارد. به فتوای فقهای امامیه اگر این عقوبتهای پیشگیرنده تأثیری نداشت و کودک به سرقتهای خود ادامه داد و مجدداً دستگیر شد، قاضی باید دستور قطع بند دوم انگشتان او را بدهد، و در صورت ادامه سرقتهای کودک و در پنجمین بار دستگیری او به جرم سرقت اگر سن او به نه سالگی رسیده قاضی باید حکم بریدن انگشتان او را صادر نماید.

منابع: وسائل الشیعة، ابواب حد السرقة، از باب ۲ و ۳ و ۴ به بعد؛

الکافی؛ الاستبصار؛ من لا یحضره الفقیه؛ التمهید؛ السرائر؛ شرایع الاسلام؛ نهایة الاحکام؛ تحریر الاحکام؛ قواعد الاحکام؛ اللعنة للمتشیبة؛ جواهر الکلام؛ کتاب الحدود و الدیات؛ مبانی تکملة المنهاج، ۲۷۹/۲.

محمد رضا انصاری

سرمایه ایمان، رساله‌ای است به زبان فارسی در اصول اعتقادات از ملا عبدالرزاق لاهیجی (م ۱۰۷۲ ق)، از حکمای متأخر عهد صفوی و شاگرد میرزا صدر المتألهین شیرازی. مطالب مندرج در این رساله، در واقع تلخیصی است از رساله مشهور گوهر مراد از همین نویسنده که ابواب آن بر اساس اصول پنجگانه دین، بر پنج بخش مرتب شده است.

باب اول رساله به مبحث «توحید» اختصاص دارد و او با مباحث این باب را - که به زعمش، مراد از آن اثبات ذات واجب الوجود متصف به صفات کمال منزه از شریک و صفات نقص و زوال است - در ده فصل مطرح کرده است. لاهیجی در آخرین فصل باب توحید، به صفات ثبوتیه حقیقه و صفات سلویه و اضافه واجب الوجود پرداخته

برسد) حد سرقت ندارد هر چند که عرفاً هر بار سرقت مستقلاً شمرده شود.

آثار توبه در جرم سرقت، توبه از جرم ارتكابی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در سقوط حد جرم سرقت دارد، لیکن زمان وقوع آن مهم است. بنابر فتوای فقهای امامیه اقدام مجرم به توبه پیش از ثبوت جرم سرقت نزد قاضی سبب سقوط حد می‌شود. البته اصل توبه مجرم و طلب عفو و بخشش از خداوند آثار و عقوبتهای اخروی جرم را از میان می‌برد، لیکن اگر توبه پیش از اقامه دعوی نزد قاضی از سوی مال باخته و اثبات آن واقع شده بود، سارق نیاز به ارائه دلیل برای توبه پیشین خود نزد قاضی دارد و صرف ادعای وقوع توبه از او کفایت نمی‌کند. اما توبه مجرم پس از اثبات جرم نزد قاضی گرچه سبب رفع عقوبتهای اخروی و آثار جرم می‌گردد، لیکن تأثیری در سقوط حد نخواهد داشت، و حد سرقت علیه او اجراء می‌گردد. در این که جرم سرقتی که با اقرار و اعتراف خود سارق ثابت شده آیا می‌تواند اعتراف کننده پس از اقرار و اثبات جرم خود با توبه آثار جزائی آن را رفع کند یا نه میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. متأخرین از فقهای امامیه بر این اعتقادند که ثبوت اصل جرم از هر راه قانونی آثار آن را در پی خواهد داشت و تفاوتی در ثبوت آثار میان اقرار و بی‌ینه و شهود وجود ندارد، و این حکم یک استثناء دارد که همان توبه پیش از اثبات است، اما وقوع توبه پس از اثبات، رافع حکم نمی‌باشد، اگرچه در خصوص توبه پس از اقرار، حاکم شرع می‌تواند سارق را عفو نماید.

آثار حقوقی و اثبات جرم سرقت، اثبات جرم سرقت دو اثر در پی خواهد داشت: نخست اثر جزائی و عقوبتی که عبارت است از حد سرقت که همان قطع دست است. دومین اثر وضعیت مال مسروقه است که جنبه حقوقی داشته و سارق ملزم است عین مال مسروقه را به مال باخته (در صورت زنده بودن) و یا ورثه قانونی و شرعی او (در صورت عدم حیات مال باخته) مسترد دارد. هم چنین سارق ضامن خسارتهای وارده بر مال مسروقه که ناشی از سرقت او است می‌باشد. و در صورت تلف و از میان رفتن اصل مال دزدیده شده، سارق ملزم است نمونه‌ای مشابه با مال مسروقه (در صورت مثلی بودن مال) به مال باخته مسترد دارد، و یا در صورت قیمی بودن مال، سارق ملزم است قیمتی را که قاضی تعیین می‌نماید - که آن هم قیمت روز مال مسروقه می‌باشد - به مال باخته یا ورثه او بپردازد. و اجرای حد سرقت و قطع دست سارق مانعی در راه مطالبه مالک مال باخته یا ورثه او به استرداد مال خود نمی‌شود.

وضعیت کودکان سارق، با توجه به این که شرط اجرای حد سرقت و عقوبتهای آن همانا بلوغ و رسیدن به سن بلوغ

Stepan Razin (1668-71), with raids expected against Persian territory along the Caspian coasts; hence troops were mustered in Biya-pīsh, the *Ghāziyān-i Šūfi*. During the Russian occupation of Gilān 1136-46/1724-34, the Russians built two forts at Lāhīdjān, and the town was once more under Russian domination during the local Soviet Republic of Gilān in 1920-1. According to the traveller Gmelin, who was in Gilān in 1772, Lāhīdjān had seven years previously submitted to Hidāyat Khān of Fūman. Kādjar control was subsequently established there, but the last hereditary governor of Lāhīdjān, Mīrzā Ahmad Khān, Sālār-i Mu'ayyad, was dismissed by the constitutionalist government in 1907.

In recent times, Lāhīdjān has lost most of its administrative importance to Rasht, but still has considerable commercial importance as a centre for the local Gilān silk and cotton industries and as a centre for citrus fruit growing; tea was first introduced into the Caspian region in 1914, and later, Riḍā Shāh Pahlavī employed Chinese experts to start new plantations near Lāhīdjān in the lower foothills adjoining the coastal plain (see *Admiralty handbook, Persia*, London 1945, 148, 464).

The antiquities of the town include various graves of the Kar-Kiyā'ī Sayyids. Administratively Lāhīdjān is now the centre of a *shāhristān* or district of the same name; in the first province of Iran; according to the 1966 census, it had a population of 25,725 and ca. 5,573 houses (see Razmārā, ed., *Farhang-i dijghrāfiyā-yi Irān*, II, 270-1, and L. W. Adamec, ed., *Historical gazetteer of Iran. I. Tehran and Northwestern Iran*, Graz 1976, 410).

**Bibliography** (in addition to references given in the article): Primary sources: Yākūt, *Buldān*, ed. Beirut 1374-6/1955-7, vi, 9; Abu 'l-Kāsim Kāshānī, *Ta'rikh-i Ōldjeytū*, B. N. Paris ms., suppl. persanē 1419, and other mss., see Storey, i, 78, and Storey-Bregel, i, 320-1, now ed. M. Hambly, Tehran 1969; continuator of Rashīd al-Dīn, in B. Dorn, *Auszüge aus muhammedanische Schriftstellern*, St. Petersburg 1858, 138-52; Zāhīr al-Dīn Mar'ashī, *Ta'rikh-i Gilān wa Daylamistān*, ed. H. L. Rabino, Rasht 1330/1912; 'Alī b. Shams al-Dīn Lāhīdjī, *Ta'rikh-i Khānī* (completed in 922/1516 for the Kar-Kiyā'ī Ahmad Khān), ed. Dörn, in *Muhammedanische Quellen zur Geschichte der südlichen Küstenländer des Kaspischen Meeres*, II, St. Petersburg 1857 (on these local chronicles, see Storey, i, 362-3, and Storey-Bregel, II, 1076-7).

Secondary sources: D'Ohsson, *Histoire des Mongoles*, IV, 488-97; Ritter, *Erdkunde*, VIII, 544 ff.; P. Melgunoff, *Das südliche Ufer des Kaspischen Meeres*, Leipzig 1858, 230-4; Le Strange, *The lands of the eastern caliphate*, 174; W. Barthold, *Istor.-geogr. očerh Irana*, St. Petersburg 1903, 156; Rabino, *Les provinces caspiennes de la Perse. Le Guilan*, in *RMM*, xxxii (1916-17), 291-334, 397 ff. (very detailed geographical survey of the region); idem, *Rulers of Lāhīdjān and Fūman, in Gilān, Persia*, in *JRAS* (1918), 85-92; idem, *Les dynasties locales du Gilān et du Daylam*, in *JA*, ccxxxvii (1949); 'Abbās Kadivār, *Ta'rikh-i Gilān*, Tehran 1319/1940. For the coins minted at Lāhīdjān, see E. von Zambaur, *Die Münzprägungen des Islams, zeitlich und örtlich geordnet*, I, Wiesbaden 1968, 218. (C. E. BOSWORTH)

2. Several districts in Persia have however derived from the stems *Lāh* and *Lār* [q.v.]: Lāhīdjī, an important little town in Transcaucasia west of Shāmākha [see *SHĪRWĀN*]; Lāhīdjī, a village in

the canton of Kurbāl in the province of Fārs; Lāhīdjān, a canton of Mukrī Kurdistān [see *SAWḌI-BULĀK*], which the *Sharaf-nāma* of Sharaf al-Dīn Bidlīsī, ed. Veliāminof-Zernof, St. Petersburg 1860-2, I, 280, calls Lārdjān. There is a village of Lāhīdjān near Ilkhiči, south of Tabrīz, and a village of Lārdjān south of the Araxes about 12 miles above the mouth of the river of Ardābil-(Kara-Šu). The forms *Lāh* and *Lār* may both come from \**Ladh* (cf. the Old Persian *Māda*, which gave *Māh* in Persian and *Mar-ah* in Armenian). According to the dictionaries (e.g. Vullers) the old name of the town of Lār [q.v.] was *Lād*, *Lādīh*; the silk called *lādīh* is also known as *lāh* (*lāh* however may equally well be explained by *lās*). The change of *d* (*dh*) to *r* is attested in the Caspian dialects (it is regular in Tātī; Melgunof, *Das südliche Ufer des Kaspischen Meeres*, 221). The fact that we have districts of Lāhīdjān and Lārdjān in the adjoining provinces of Gilān and Māzandarān is remarkable, but still more significant is the fact that Lāhīdjī of Shīrwān represents an island of Iranian Tāt surrounded by Turks (the Tāt are now found scattered throughout Dāghistān, the country round Tehran, Ādharbāydjān, etc.). Their present name has a rather general and vague character, see *TĀT*. The colony of Lāhīdjī may have retained the original dialect formerly spoken in the metropolis. The name of the silk *lādīh/lāh* suggests the former existence of a place called *Lād*, which produced silk (cf. Yākūt, s.v. *Lāhīdjī*; he says that Lāhīdjī produces the silk called "Lāhīdjī" which is not of high quality). With the suffix *-īc*, the word *Lāh-īc* would mean the people of *Lād*. It remains to be seen if the region of Lāhīdjān is not the ancestral home of numerous *Lāhīdjī* colonies. At the present day there is spoken in Lāhīdjān—although with certain local peculiarities—the Gilakī dialect, but this parent dialect has here exercised a levelling influence, of which the foreign Turkish was incapable in the case of the people of Lāhīdjī of Shīrwān. As to Lāhīdjān of Kurdistān, we may recall the hypothesis of Andreas that the name "Dimla" by which the Zāzā call themselves (north of Diyārbakr) is a metathesis of *Dēlam* (Daylam). The emigrations from Gilān, still very obscure, certainly penetrated far to the west. Finally, to the names mentioned one might add perhaps that of *Kāl'a-yi Lāhīdjī* in Khūzistān (?); cf. Mustawfī, *Ta'rikh-i gušāda*, GMS facs., 240. (V. MINORSKY)

**XLĀHĪDJĪ**, the *nisba* of several eminent persons connected with Lāhīdjān [q.v.] in the Caspian region of Persia, among whom the following may be mentioned.

1. SHAMS AL-DĪN MUḤAMMAD B. YAḤYĀ GĪLĀNĪ, theologian, mystic, and poet of the Timūrid-Šafawid period and a renowned *shaykh* of the Nūrbakshīyya Šūfī order in Shīrāz. He joined his master Sayyid Muḥammad Nūrbakshī in 849/1445, and during a period of 16 years, under Nūrbakshī's spiritual direction, accomplished considerable progress along the Šūfī path. After the death of Nūrbakshī (869/1464), or even slightly before then, Lāhīdjī retired to Shīrāz, where he founded a Nūrī (= Nūrbakshī) *khānaqāh* [q.v.], and spent much of his time in mystical exercises and teaching Šūfī doctrines. During this period of retirement, he was held in great respect not only by scholars such as Dawānī [q.v.] and Djāmī [q.v.], but also by the Šafawid Shāh Ismā'īl I, who paid him a visit at his *khānaqāh* in 909/1503 in Shīrāz. Nevertheless, the biographical data which we can glean from his own writings are minimal: a six-months' stay in Tabrīz

‘ABD-AL-RAZZĀQ B. ‘ALĪ B. AL-ḤOSAYN, LĀHĪJĪ, 11th/17th-century theologian and philosopher (and poet under the pen name FAYYĀZ). Little is known about his life; he came from Lāhījān but lived most of his later life in Qom. His teacher in philosophy was Mollā Ṣadrā Šīrāzī (d. 1050/1641). In his works Lāhījī frequently refers to him in laudatory terms as our teacher (*ostādonā*), and his *divān* contains several eulogies of him. He does not mention any other teacher. In one poem he praises Mīr Dāmād (d. 1040/1630), stating that his thought had been an inspiration, but it seems unlikely that Lāhījī studied with him, at least for any prolonged period.

Lāhījī was intimately associated with Mollā Ṣadrā for many years. In a poem composed in Kāšān, he mentions having been Mollā Ṣadrā’s student in this town before the latter departed for Isfahan and expresses his wish to join him there. He evidently did study with him in Isfahan for some time. It seems likely that he was also associated with Mollā Ṣadrā during the latter’s seclusion near Qom (said to have lasted fifteen years). For, already prior to his teacher’s death, he mentions in a poem having lived in Qom for over twenty years. On the other hand, there is no evidence that he was with Mollā Ṣadrā during the latter’s stay in Shiraz, where he taught for some years before his death. Lāhījī married one of the daughters of his teacher. There seems to have been some rivalry between him and the other son-in-law student of Ṣadrā, Mollā

E. Ir. I. (s. 2), p. 154-157,

1982 (LONDON)

Zāhīdī, Abdurrazzāq b. ‘Alī b. Ḥosayn

(d. 1050/1640)



ments am Schluß desselben, legt es [das Zeugnis, die *šahāda*] nieder [unterschreibt] der Knecht seines Herrn [Notarschnörkel] und . . . und . . . [usw. es folgen weitere Notarschnörkel, unterbrochen von kurzen Sätzen, daß sich die Unterzeichner den andern Zeugnissen anschließen<sup>\*)</sup>].

<sup>\*)</sup> In der franz. Übersetzung folgt wieder (S. 435): Louange à Dieu. — En signification et acceptation des Adoul ci-dessus, a signé: (*Signature illisible du Qadi*).

LĀHĪCĪ

DER ISLAM

C. 3 a serie 1912

Lāhīcī, Abdurrazak  
b. sei b. el Husayn

1057-1641

## Die philosophischen und theologischen Ansichten von Lahīgi (ca. 1670)

nach seinem Werke

»Die aufgehenden Sterne der Offenbarung«,  
einem Kommentare zur Dogmatik des Ṭusi (1273 \*).

Bearbeitet von

M. Horten.

Vorwort.

Lahīgi ist (Fol. 3) Anhänger der Imamiten und betont mit besonderem Stolze, daß deren Prinzipien direkt von den griechischen Philosophen entlehnt seien ohne Vermittlung der liberalen Theologen. Lahīgi ist über die griechische Philosophie genügend unterrichtet. Die wichtigsten Werke seines Kulturkreises über diesen Gegenstand hat er eingehend studiert. Seine Begabung ist jedoch keine tiefgehende wie die eines Gurgāni, Igi oder Schirazi (1640\*). Er haftet mehr an den Worten und logisch glatten Formulierungen als an dem tieferen Sinne der Lehren. Manchmal behandelt er in etwas kleinlicher Weise rein philologische Fragen. Seiner Neigung nach ist er mehr Theologe als Philosoph und legt als solcher mehr Wert auf die positive Seite der Theologie als auf die Spekulation. Er verhält sich darin durchaus anders als die genannten Theologen. Man empfindet in allem, daß Lahīgi sich fast ausschließlich *rezeptiv* verhält. Eine produktive Kraft tritt bei ihm nicht hervor. Dennoch bewegt er sich mit großer Gewandtheit und vollem Verständnisse in den vorgebrachten Problemen, so daß man ihn nicht schlechthin als einen Autoritätsgläubigen bezeichnen darf.

Lahīgi war Schüler des Schirazi (1640 \*, Sadraddin), was aus einer Glosse des Bazwāri (ca. 1800) zu den »vier Reisen«, der philosophischen Enzyklopädie Schirāzis (331 b Mitte) hervorgeht. Neben seinem Hauptwerke, das ebenda zitiert wird (in der Lehre von dem Frühersein der Ursache bezüglich der Wirkung), verfaßte er eine Glosse zu einem Werke des Hufri (unbekannt, viell. 1550, von

## فصوص الحكم وخواص الكلم

✓ للشيخ محيي الدين محمد بن علي بن عربي المتوفى سنة ٦٣٨هـ (سبق).  
ألفه سنة ٦٢٧هـ مخطوطاته في سائر مكتبات العالم وطبع باستانبول سنة ١٣٠٩هـ وسنة ١٢٩٧هـ  
وسنة ١٢٨٧هـ ومصر سنة ١٣٠٤هـ وسنة ١٣٢٣هـ وسنة ١٣٦٥هـ بتحقيق أبو العلا عفيفي .

\*\*\*

- ١- مفتاح الفصوص شرح للمؤلف خ لاله لي . ١٥٠٢  
٢- نقش الفصوص للمؤلف طبع بحيدراآباد الدكن سنة ١٣٦٧هـ . وعليه حاشية:  
١- عبد الرحمن الجامي المتوفى سنة ٨٩٨هـ (سبق).  
• نقد النصوص في شرح نقش الفصوص ألفه سنة ٨٩١هـ خ داماد إبراهيم ٧٤١ وشهيد علي ١٣٥٦ وبرلين ٢٨٨٨ (المالغ: ٤٢٥).  
عبد الله بن أحمد الجناحي (المالغ: ٤٢٧).  
- شرح نقش الفصوص خ بايزيد ٣٧٥٨.  
الشريف بن ناصر بن الحسن الحسيني المتوفى سنة ٩٤٠هـ (سياتي).  
- مطالع النقش والنصوص خ نور عثمانية ٢٤٧٨ وداماد إبراهيم ٧٤٠ (المالغ: ٤٢٦).  
إسماعيل حقي الأتقروي المتوفى سنة ١٠٤٢هـ (سياتي).  
- زبدة الفصوص في شرح نقش الفصوص خ ولي الدين ١٨٠١ ولاله إسماعيل ١٥٢
- وشهيد علي ١٢١٥ .  
إسماعيل بن سودكين المتوفى سنة ٦٤٦هـ .  
- شرح الفص الإدريسي خ فاقح ٥٣٢٢ .  
صدر الدين محمد بن إسحاق القونوي المتوفى سنة ٦٧٢هـ (سبق).  
- الفكوك في مستندات حكم الفصوص خ نور عثمانية ٥٠١٠ وبرلين ٢٨٧٨ وبايزيد ٢٤١٦ وراغب باشا ١٤٥٣ وغيرها .  
٢- النصوص في تحقيق الطور المخصوص . سياتي مفرداً عليه حاشية:  
عبد الباقي بن محمد بن علي زاده المتوفى سنة ١١٥٩هـ (هدية العارفين ١: ٤٩٧، كحالة ٥: ٧٤).  
• زبدة الفكوك.  
أحمد حجابي القسطنطيني المتوفى سنة ١٣٠٦هـ (هدية العارفين ١: ١٩٢).  
- تلخيص الفكوك.  
عفيف الدين سليمان بن عبد الله التلمساني المتوفى سنة ٦٩٠هـ (كشف الظنون ٢: ١٢٦٤).

عبد الله محمد الحبشي، جامع الشروح والحواشي، (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الإسلامي وبيان شروحه)، الجزء الثاني، 1425/2004 أبو ظبي، ص. 1319-1320 ISAM 130565.

Halebi Ibrahim b. Mun 1301

Bali Efendi Sofyali 1309

Fususul Hikam

Ibnat Arabi Mubay.

Rasid Abdurrahman 1304

Ankaravi Ismail Lusuh 1304

Ibn Sevdahan 1304

Sadreddin Konevi 1304

Tilimsani Afifi ddon 1304-1305

Cand 1305

Ibn Teymife Fakihuddin 1305

Kasani Abdurrazzak 1305

Ibn Camaa Badreddin 1305

Davudi Kayseri 1305

Hamadan Emir Kebir 1306

Ibn Abbad ar-Rundi 1306

Tafloqani 1306

Abdulkerim el-Liti 1306

Mohamed 1306

Yogieroglu Mehdi Ef 1307

Muhammad Parsa 1307

Kubbe Doh Zaniki 1307

Cami Abdurrahman 1307

Bayezid Halife 1308

Nimatullah b. Mahmud 1308

Kamaluddin 1308

MADDE KATILANDIRILAN SONRA KISIMININ

09 MARE 2007

- محمد صالح التبريزي (المالغ: ٤١٨).  
- شرح فصوص الحكم خ الظاهرية ١٢١ وداماد إبراهيم ٢٤٦٦.  
محمد بن بريم (القرن التاسع) (الشقائق النعمانية ١: ١٧٤، كحالة ١٠: ٨٥).  
- شرح الفصوص.  
شرف الدين صادق (المالغ: ٤٠٤).  
- شرح الفصوص (فارسي) خ أيا صوفيا ١٨٩٣.  
الهوري المتوفى بعد سنة ٩٠٠هـ (المالغ: ٤٠٤).  
- شرح الفصوص خ برلين ٢٨٧٧ بخط المؤلف.  
جمال الدين الزواوي (القرن التاسع).  
- شرح مشكل الفصوص خ شستريتي ٥٤٩٣.  
بايزيد خليفة المتوفى سنة ٩٠٥هـ (كحالة ٣: ٣٨).  
- شرح الفصوص (كشف الظنون: ١٢٦١).  
محمد بن أحمد الحنفي العلافي المتوفى سنة ٩١٨هـ (هدية العارفين ٢: ٢٢٦).  
- العقد المخصوص بترصيع الفصوص خ دار الكتب المصرية ١٢٥ مجاميع.  
نعمة الله بن محمود النخجواني المتوفى سنة ٩٢٠هـ (هدية العارفين ٢: ٤٩٧، كحالة ١٣: ١١١).  
شرح الفصوص.  
مظفر الدين الشيرازي المتوفى سنة ٩٢٢هـ (ذريعة ١٣: ٣٨٢).  
- شرح فصوص الحكم.  
أبو الفتح محمد بن محمد المعروف بالشيخ أكمل المتوفى سنة ٩٢٦هـ (هدية العارفين ٢: ٢٢٨).  
- حل مشكلات الفصوص.  
إدريس بن حسام الدين البديلي المتوفى سنة ٩٢٩هـ (كحالة ٢: ٢١٧).  
- شرح الفصوص (كشف الظنون: ١٢٦٤).  
الشريف ناصر الحسيني المتوفى سنة ٩٤٠هـ (كشف الظنون: ١٢٦٤، هدية العارفين ٢: ٤٨٨).  
- مجمع البحرين خ الإسكندرية ٣١ تصوف.  
أحمد بن سليمان بن كمال باشا المتوفى سنة ٩٤٠هـ (سبق).  
- مباحث على الفصوص خ برلين ٢٨٨٧ (المالغ: ٤٠٥).  
مظفر الدين علي الشيرازي المتوفى سنة ٩٤٥هـ (هدية العارفين ١: ٧٤١، كحالة ٧: ٢٠٤).  
- شرح الفصوص (كشف الظنون: ١٢٦١).  
سعد الله بن عيسى بن أمير خان المعروف بسعدى جلبي المتوفى سنة ٩٤٥هـ (الأعلام ٣: ٨٨).  
فتوى في مواضع من فصوص الحكم خ الأثرية.  
أمير شريف العجمي المتوفى سنة ٩٥١هـ (شذرات الذهب ٨: ٢٨٨).  
- حل مشكلات الفصوص.  
إبراهيم بن محمد بن إبراهيم الحلبي المتوفى سنة ٩٥٦هـ (سبق).  
- نعمة الزريعة في نصرة الشريعة (انتقد فيه مواضع من فصوص الحكم) خ الأثرية ٧٧٥ مجاميع حلیم ٣٤٨٣٢ طبع أخيراً.  
بالي خليفة المتوفى سنة ٩٦٠هـ (يحقق مع مصطفى بن سليمان بالي زاده الآتي ذكره).  
- شرح فصوص الحكم طبع بمصر سنة ١٣٢١هـ.  
حيدر بن علي العبيدلي الحسيني الأملي (ذريعة ١٣: ٣٨١).  
- شرح فصوص الحكم مصطفى بن أحمد القونوي الشهير بنور الدين زاده المتوفى سنة ٩٨١هـ (كحالة ١٢: ٢٣٩).  
- شرح النصوص في تحقيق الطور المخصوص.  
أحمد بن رمح الزبيدي المتوفى بعد سنة ٩٩٢هـ.  
- شرح الفصوص خ لاله إسماعيل ٢٧٦ والإسكندرية ٦١٣١.  
إسماعيل بن علي القادري (المالغ: ٤٠٧).
- شرح فصوص الحكم خ بايزيد ٣٧٥٣.  
يحيى بن علي المعروف بنوعي أفندي المتوفى سنة ١٠٠٧هـ (سبق) (هدية العارفين ٢: ٥٣١).  
- كشف الحجاب عن وجه الكتاب خ يحيى أفندي ٢٢٩١ قليج علي ٥٨٢ كوبريلي ٧١٥ نور عثمانية ٢٤٦٤ (المالغ: ٤٠٧).  
عبد الرزاق بن علي اللاهيجي المشهور بفياض اللاهيجي المتوفى سنة ١٠١٥هـ (كحالة ٥: ٢١٨).  
- شرح الفصوص.  
إسماعيل حقي الأتقروي المتوفى سنة ١٠٤٢هـ (سبق).  
- شرح الفصوص طبع استانبول سنة ١٣٢٧هـ.  
عبد الكريم مخدم اللاهوري المتوفى سنة ١٠٤٥هـ (هدية العارفين ١: ٦١٢).  
- شرح الفصوص.  
عبد الله (عدي) اليسوي المتوفى سنة ١٠٥٤هـ (سبق).  
- تجليات عرائس النصوص خ شهيد علي ١٢٤٧ وعاطف أفندي ١٤٣٨ ومهرشاه ٢٣١ وجار الله ١٠٣٢ طبع بطهران (المالغ: ٤٠٨).  
عبد الكريم بن أكمل الدين قاضي خان العدني المتوفى سنة ١٠٥٥هـ (هدية العارفين ١: ٦١٢، كحالة ٥: ٣١٤).

عبد الله محمد الحبشي، جامع الشروح والحواشي، (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الإسلامي وبيان شروحه)، الجزء الثاني، 1425/2004 أبو ظبي، ص. 1319-1320 ISAM 130565.

عبد الله محمد الحبشي، جامع الشروح والحواشي، (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الإسلامي وبيان شروحه)، الجزء الثاني، 1425/2004 أبو ظبي، ص. 1319-1320 ISAM 130565.

- Taftejani
- ibn al-Munam 686
- Kafiyat 686
- Devrani 687
- Hasan Alebi Fenari 687
- Mir Ghassebi Mansur 687
- Lari Muhi-hudtin 688
- Gelenbevi 690
- David-i Karsi 690
- Isfahani Isami adn 691
- Karafi Bedreddin 691
- Lanici Abdurrazzab al 691
- Desuki Muhammed b. Alim 691
- Attar Hasan b. Munkh 694
- Eyyubzade Mustafa 695

### تهذيب المنطق والكلام

لسعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني المتوفى سنة ٧٩٣ هـ (سبق).  
أوله الحمد لله الذي هدانا لهذا الطريق الخ جعله على قسمين الأول في المنطق والثاني في الكلام خ  
باريس ٢٥٩٦ وأويسالا ٢٣٠ / ٢٣٠، والمتحف البريطاني ١٢٠٨، وكمبريدج ثالث ١٣٤٠، ومانشستر  
٦٨٦ ب وبرلين ٥١٧٤، ونسخ أخرى في سائر مكتبات العالم طبع مع شرحه بالهند بكلكتا سنة ١٢٤٣  
هـ ودلهي سنة ١٢٧٦ (بروكلمان ٧٥ : ٢١٠).

\*\*\*

- محمد بن إبراهيم بن أبي الصفاء تلميذ ابن الهمام  
المتوفى سنة ٨٦١ هـ (كحالة ٨ : ٢١٠).
- شرح تهذيب المنطق  
(كشف الظنون : ٥١٧).
- محمد بن سليمان الكافيجي المتوفى سنة ٨٧٩ هـ  
(سبق).

عبدالله محمد الحبشي، جامع الشروح والحواشي، (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث  
الاسلامي و بيان شروحه)، الجزء الأول، 1425/2004 ابو ظبي، ص. 699-686 ISAM 130564.

MAHJUBI  
SARAF  
09 MAHS 2006

— جهد المقل شرح تهذيب المنطق أوله : الحمد  
لله الذي خص النوع الإنساني بالمنطق الفصيح  
خ أوقاف الموصل سنة ٨٩٩ هـ برقم ١٣٠ /  
٢٢ .

محمد بن محمد بن عبد اللطيف بن أحمد  
المحلي القاهري الحنفي المتوفى سنة ٨٩٦ هـ  
(الضوء اللامع ٩ : ١١٢، هدية العارفين ٢ :  
٢١٣، كحالة ١١ : ٢٢٦).

— شرح تهذيب المنطق.

نظام الدين عبد الحي بن عبد الوهاب الأشرفي  
الجزجاني المتوفى سنة ٩٠٢ هـ (ذريعة ١٣ :  
١٦١).

— شرح تهذيب المنطق.

أحمد بن يحيى بن محمد بن سعد الدين مسعود  
ابن عمر التفتازاني (حفيد التفتازاني) المتوفى  
سنة ٩١٦ هـ (سبق).

— شرح تهذيب المنطق لجدده  
خ الأزهرية (٣٣) ٢١٩٤ وأخرى برقم  
(٣٩٠) ١٦٣١٢ وأخرى بمكتبة مانشستر  
٣٨٧، وجوتا ٨٧، والظاهرية ١٤١٧١  
(بروكلمان ٧ : ٣١١).

جلال الدين محمد بن أسعد الصديقي الدواني  
المتوفى سنة ٩١٨ هـ (النور السافر ١٣٣،  
شذرات الذهب ٨ : ١٦٠، البدر الطالع ٢ :  
١٣٠، هدية العارفين ٢ : ٢٢٤، وسبق عدة  
مرات).

— شرح تهذيب المنطق من أشهر شروح  
الكتاب المذكور في برلين ٥١٧٦،

والمتحف البريطاني أول ٥٤٤، وباريس  
٥٧٩٧ ونسخ أخرى (بروكلمان ٧-  
٣١١) طبع سنة ١٢٨٨ لكتو بالهند سنة  
١٣١٧ هـ وكوانبور بالهند أيضاً .

وعلى هذا الشرح أكثر حواشي التهذيب :

حسن جلبي بن محمد بن محمد شاه الفناري  
الرومي الحنفي المتوفى سنة ٨٨٦ هـ (سبق)

● حاشية الفناري على شرح الجلال الدواني  
على تهذيب المنطق أولها : الحمد لله على  
تهذيب المنطق والكلام وتقرير عقائد الإسلام  
الخ خ الأزهرية (٢٠٠) ٤٠٢٩٣ .

الأمير غياث الدين منصور الدشتكي المتوفى سنة  
٩٤٨ هـ (الذريعة ٦ : ٦٠).

● حاشية على حاشية الدواني على  
التهذيب.

مير أبي الفتح محمد أمين بن أبي سعيد السعدي  
الأردبي المتوفى سنة ٩٥٠ هـ (الذريعة ٦ : ٥٩  
وسبق في عدة مواضع).

● حاشية على شرح تهذيب المنطق لجلال  
الدواني  
أولها : الحمد لله على تهذيب المنطق  
والكلام خ القادرية ببغداد سنة ١٠٩٤ هـ  
برقم ٨٣٥، وبريل أول ٢٦٧، وقوله  
٣٥١١٢، وبطرسبورغ ١٨٤ / ٢ وأيا  
صوفيا ٢٤٩٢، وقليج علي ٦٤٠،  
وسليم آغا ٦٩١، وطبع بالأستانة سنة  
١٣٠٠ هـ (بروكلمان ٧ : ٣١٢) وستأتي  
الحواشي على هذه الحاشية مع حواشي

تهذيب	٦٩١	تهذيب
عبد الرحمن الشيرازي (القرن العاشر) (الذريعة ١٣ : ٢٦١).	(بروكلمان ٧ : ٣١٧).	العارفين ١ : ٢٢٢، الأعلام ١ : ٣٢٧ .
— شرح تهذيب المنطق.	مظفر الدين علي بن محمد الشيرازي العمري الرومي المتوفى سنة ٩٢٢ هـ (الكواكب السائرة ١ : ٢٦٣، هدية العارفين ١ : ٧٤١، الأعلام ٥ : ١١١).	● حاشية على شرح تهذيب المنطق لجلال الدواني خ جامعة القاهرة ١٠١٥١ طبع بالأستانة سنة ١٢٨٨ هـ بعنوان (كليبولي على التهذيب) وعلى هذه الحاشية .
بدر الدين محمد بن يحيى بن عمر القراني المتوفى سنة ١٠٠٨ هـ (فهرس برلين ٤ : ٤٧٤).	— شرح تهذيب المنطق أوله بعد حمد الله سبحانه وتعالى خالق الأشخاص والمهيات الخ خ سنة ١٠٦٤ هـ هـ بالظاهرة ٧٠٨٠، وجامعة الرياض ٢٠٩ .	● حاشية على شرح التهذيب داود القارصي المتوفى سنة ١١٦٩ هـ (سيأتي).
— شرح تهذيب المنطق.	عصام الدين إبراهيم بن محمد بن عريشاه الأسفرايني المتوفى سنة ٩٤٤ هـ (سبق).	● حاشية على شرح الكلبنوي.
عبد الله بن حسين اليزدي الشهابادي المتوفى سنة ١٠١٥ هـ (خلاصة الأثر ٣ : ٤٠٠، هدية العارفين ١ : ٤٧٣، الأعلام ٤ : ٨٠).	— شرح تهذيب المنطق خ قليج علي ٦٦٥ وبنكوبور ٢١-٢٣١٩ . وعلى هذا الشرح الحاشية الآتية : ... الشيرانسي (بروكلمان ٧ : ٣١٧).	عبد الله بن حسين اليزدي المتوفى سنة ١٠١٥ هـ (سيأتي).
— تحفة الشاهجانية شرح تهذيب التفتازاني. طبع بعنوان شرح تهذيب المنطق خ بريل أول ٢٦٨، والمتحف البريطاني ثالث ٣١٣، وبطرسبورغ ثالث ٣١٣ (بروكلمان ٧ : ٣١٤، طبع بالهند سنة ١٢٤٣ هـ، ومدراس بالهند سنة ١٢٧٣ هـ هو حيدر آباد سنة ١٣٠٠ هـ .	حاشية على شرح عصام على التهذيب خ سليم آغا ٦٦٤ .	● حاشية على حاشية الجلال الدواني (الذريعة ٧ : ١٤٥، ١٣ : ١٧٩).
هذا الشرح من الشروح الشهيرة على تهذيب المنطق للتفتازاني وقد اعتنى به العلماء في العديد من الحواشي منها :	محمد بن محمود الحسيني الشهرستاني المتوفى بعد سنة ٩٩١ هـ (الذريعة ١٣ : ١٦٤).	محمد عبد الحي بن محمد عبد الجليم اللكنوي الهندي المتوفى ١٣٠٤ هـ (هدية العارفين ٢ : ٣٨٥).
نور الدين الحسيني المرعشي التستري المتوفى سنة ١٠١٩ هـ (ذريعة ٦ : ٦٠).	— شرح تهذيب المنطق. هبة الله ... الحسيني الشهير بشاه مير (القرن العاشر الهجري) (هدية العارفين ٢ : ٥٠٧، الذريعة ١٣ : ١٦٤).	● البيان العجيب على حاشية الجلال لمنطق التهذيب (ذيل كشف الظنون ١ : ٢٩٨)، طبع الشرح المذكور بلكنوسنة ١٣١٢ هـ (سركيس : ١٥٩٦).
● حاشية على شرح اليزدي خ رامبور أول ٤٥٣ وبوها ١٢٩٩ .	عبد الرزاق بن حسين اللاهيجي المتوفى سنة ١٠٥١ هـ (الذريعة ٦ : ٦١).	محمود التيريزي الشيرازي المتوفى بعد سنة ٩٠٤ هـ (تلميذ الدواني المتوفى سنة ٩١٨ هـ) (بروكلمان ٧ : ٣١٤، الذريعة ٦ : ٥٤ و ١٣ : ١٦٣).
● حاشية على حاشية اليزدي	ح برستون ١٢٤-١ (بروكلمان ٧ : ٣١٧) وجامعة الموصل ٤٧-٢٢ .	— شرح التهذيب خ المتحف البريطاني ١٣/ ١/١٥ .

تهذيب	٦٩٠	تهذيب
عبد الرحمن الشيرازي (القرن العاشر) (الذريعة ١٣ : ٢٦١).	(بروكلمان ٧ : ٣١٧).	العارفين ١ : ٢٢٢، الأعلام ١ : ٣٢٧ .
— شرح تهذيب المنطق.	مظفر الدين علي بن محمد الشيرازي العمري الرومي المتوفى سنة ٩٢٢ هـ (الكواكب السائرة ١ : ٢٦٣، هدية العارفين ١ : ٧٤١، الأعلام ٥ : ١١١).	● حاشية على شرح تهذيب المنطق لجلال الدواني خ جامعة القاهرة ١٠١٥١ طبع بالأستانة سنة ١٢٨٨ هـ بعنوان (كليبولي على التهذيب) وعلى هذه الحاشية .
بدر الدين محمد بن يحيى بن عمر القراني المتوفى سنة ١٠٠٨ هـ (فهرس برلين ٤ : ٤٧٤).	— شرح تهذيب المنطق أوله بعد حمد الله سبحانه وتعالى خالق الأشخاص والمهيات الخ خ سنة ١٠٦٤ هـ هـ بالظاهرة ٧٠٨٠، وجامعة الرياض ٢٠٩ .	● حاشية على شرح الكلبنوي.
— شرح تهذيب المنطق.	عصام الدين إبراهيم بن محمد بن عريشاه الأسفرايني المتوفى سنة ٩٤٤ هـ (سبق).	عبد الله بن حسين اليزدي المتوفى سنة ١٠١٥ هـ (سيأتي).
عبد الله بن حسين اليزدي الشهابادي المتوفى سنة ١٠١٥ هـ (خلاصة الأثر ٣ : ٤٠٠، هدية العارفين ١ : ٤٧٣، الأعلام ٤ : ٨٠).	— شرح تهذيب المنطق خ قليج علي ٦٦٥ وبنكوبور ٢١-٢٣١٩ . وعلى هذا الشرح الحاشية الآتية : ... الشيرانسي (بروكلمان ٧ : ٣١٧).	● حاشية على حاشية الجلال الدواني (الذريعة ٧ : ١٤٥، ١٣ : ١٧٩).
— تحفة الشاهجانية شرح تهذيب التفتازاني. طبع بعنوان شرح تهذيب المنطق خ بريل أول ٢٦٨، والمتحف البريطاني ثالث ٣١٣، وبطرسبورغ ثالث ٣١٣ (بروكلمان ٧ : ٣١٤، طبع بالهند سنة ١٢٤٣ هـ، ومدراس بالهند سنة ١٢٧٣ هـ هو حيدر آباد سنة ١٣٠٠ هـ .	حاشية على شرح عصام على التهذيب خ سليم آغا ٦٦٤ .	محمد عبد الحي بن محمد عبد الجليم اللكنوي الهندي المتوفى ١٣٠٤ هـ (هدية العارفين ٢ : ٣٨٥).
هذا الشرح من الشروح الشهيرة على تهذيب المنطق للتفتازاني وقد اعتنى به العلماء في العديد من الحواشي منها :	محمد بن محمود الحسيني الشهرستاني المتوفى بعد سنة ٩٩١ هـ (الذريعة ١٣ : ١٦٤).	● البيان العجيب على حاشية الجلال لمنطق التهذيب (ذيل كشف الظنون ١ : ٢٩٨)، طبع الشرح المذكور بلكنوسنة ١٣١٢ هـ (سركيس : ١٥٩٦).
نور الدين الحسيني المرعشي التستري المتوفى سنة ١٠١٩ هـ (ذريعة ٦ : ٦٠).	— شرح تهذيب المنطق. هبة الله ... الحسيني الشهير بشاه مير (القرن العاشر الهجري) (هدية العارفين ٢ : ٥٠٧، الذريعة ١٣ : ١٦٤).	محمود التيريزي الشيرازي المتوفى بعد سنة ٩٠٤ هـ (تلميذ الدواني المتوفى سنة ٩١٨ هـ) (بروكلمان ٧ : ٣١٤، الذريعة ٦ : ٥٤ و ١٣ : ١٦٣).
● حاشية على شرح اليزدي خ رامبور أول ٤٥٣ وبوها ١٢٩٩ .	عبد الرزاق بن حسين اللاهيجي المتوفى سنة ١٠٥١ هـ (الذريعة ٦ : ٦١).	— شرح التهذيب خ المتحف البريطاني ١٣/ ١/١٥ .
● حاشية على حاشية اليزدي	ح برستون ١٢٤-١ (بروكلمان ٧ : ٣١٧) وجامعة الموصل ٤٧-٢٢ .	قرة داود المتوفى بعد سنة ٩١٨ هـ ... — شرح التهذيب خ دار الكتب المصرية ثان : ١٢٣ .



گزیده  
گوهر مراد

نوشته  
عبدالرزاق لاهیجی

با مقدمه و توضیحات و واژه‌نامه

با اهتمام  
صمد موحد

4548  
297-4

LAH.G

فهرست مطالب

یازده	درباره این گزیده
۳۶۸-۱	متن گوهر مراد
۵-۱	پیشگفتار مؤلف
۷	مقدمه کتاب مشتمل بر سه مطلب:
	مطلب اول: در اشاره به مرتبه وجود انسان و
۱۰-۸	سبب اختصاص او به تشریف تکلیف الهی
۱۴-۱۱	مطلب دوم: در نمودن راه خدا و تقسیم آن به راه ظاهر و راه باطن
	مطلب سوم: در ذکر اختلاف علما و بیان غرض و فایده
۲۴-۱۵	از علم کلام و حکمت
۲۰	در سبب حدوث علم کلام و پیدا شدن اشعریّت و اعتزال
۲۳	ذکر کلام بر وجه صواب و فرق آن با حکمت
۱۱۷-۲۵	مقاله اولی: در علم خودشناسی مشتمل بر دو باب
	باب اول: در بیان حقیقت جسم و بعضی از احوال وی
۸۱-۲۷	و بیان اجسام بسیطه و مرکبه
۳۷-۲۸	فصل اول: در معنای علم و ادراک و خلاصه‌ای از منطق
۴۴-۳۸	فصل دوم: در شناختن جوهر و عرض
۴۷-۴۵	فصل سوم: در اثبات صورت نوعیه و بیان اختلاف اجسام
۵۰-۴۸	فصل چهارم: در بیان اجسام فلکیه
۵۴-۵۱	فصل پنجم: در اثبات تناهی ابعاد و بیان تحدید جهات
۵۸-۵۵	فصل ششم: در ذکر عناصر



کتابخانه طروزی مقابل دانشگاه تهران، تلفن ۶۴۶۳۳۰

گزیده گوهر مراد  
عبدالرزاق لاهیجی  
به اهتمام صمد موحد  
حروفچینی: مؤسسه مازیار  
چاپ: گلشن  
تعداد: سه هزار نسخه  
چاپ اول: تهران، ۱۳۶۴  
حق چاپ محفوظ است

من مخطوطات  
مكتبة نزيل الله المعنى الجامعة  
(٥)

# رياض العلماء وحياض الفضلاء

العلامة المنتجع الخبير

الميرزا عبد الله أفندي لاصبها

من اعلام القرن الثاني عشر

ل. 1401 (الجزء الثالث)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırma Merkezi	1776-3
Tasnif No. :	722-97 758-R

تحقيق  
السيد احمد الحسيني

باهتمام  
السيد محمود المرعشي

نعم له من المؤلفات كتاب شرح التجريد لخواجة نصير الطوسي مبسوط سماه مشارق الالهام في شرح تجريد الكلام حسنة الفوائد ولعله لم يتم بل خرج منه بحث الامور العامة . فلاحظ ، وحاشية على شرح الاشارات له أيضاً لم تتم ، وحاشية على الحاشية الخفية على الهيات شرح التجريد ، وكتاب گوهر مراد بالفارسية في الحكمة وقد تعرض فيه لمسألة الامامة وأطال الكلام وقد أجاد فيه وله أيضاً رسالة سرماية ايمان بالفارسية أيضاً وهي ملخصة من كتاب گوهر المراد له ألفها بالتماس بعض تلامذته ، وله كتاب شوارق الالهام في الحكمة أيضاً ، وله ديوان أشعار بالفارسية حسنة .

واللاهيجي نسبة الى لاهيجان ، قال في تقويم البلدان : لاهيجان بضم اللام وبعدا ألف وهاء وجيم مفتوحتين ثم ألف بعدها نون ، من الاقليم الرابع بلدة من بلاد الديلم وكيلان ، ومنها يجلب الحرير المشهور الى البلاد - انتهى . أقول : وهو الذي يعرف الان يقال لاهيجان بالياء المثناة التحتانية بين الهاء المكسورة والجيم .

المولى عبد الرزاق بن ملا مير الجيلاني الرانكوثي الشيرازي مولداً ومسكناً كان من أجلة العلماء المتكلمين من حوالي عصرنا ، وله شرح على قواعد العقائد للمحقق الطوسي في الكلام ممزوج بالمتن وسماه تحرير القواعد الكلامية في شرح الرسالة الاعتقادية<sup>(١)</sup> ، وألفه لمحمد زمان خان حاكم بلاد كوه كيلويه ، وقد رأيت باصفهان عند المولى الاستاد الاستاد أبيده الله تعالى ، ولا يخلو من فوائده .

(١) « بفتح اللام » ظ .

(٢) تم تأليفه سنة ١٠٧٧ .

وأظن أن تلك النسخة التي رأيتها في يزد قد كانت بخط مؤلفه ، وخطه الشريف متوسط في الجودة ، وفيها الحاقات وتغييرات كثيرة أيضاً . ولم يذكره شيخنا المعاصر البحراني أيده الله في جملة أسامي العلماء الذين جمعهم من أهل بحرین . فلاحظ .

\* \* \*

المولى عبد الرزاق بن علي بن الحسين اللاهيجي الجيلاني ثم القمي فاضل عالم حكيم كامل محقق مدقق صوفي المشرب شاعر منشىء مجيد ، من تلامذة المولى صدر الدين محمد الشيرازي ، وكان شريك المدرس مع جماعة من الفضلاء في القراءة عليه ، منهم المولى محسن الكاشي والمولى محمد يوسف الالموتي والشيخ حسين التنكابني الى غير ذلك من العشرة المبشرة التلاميذ ، ولكن لم تكن له بصيرة بالفقه والحديث والاصول . وقد كان لهذا المولى تلامذة فضلاء ، منهم ولده الخلف الاميرزا حسن وقد مترجمته ، ومنهم الحكيم محمد سعيد القمي وقد مر شرح حاله في ترجمة المولى رجب علي - الى غير ذلك من التلاميذ . وكان هذا المولى مدرساً بمدرسة معصومة قم صلوات الله عليها وعلى أخيها وعلى أبيها الى أن مات بها<sup>(١)</sup> .

وقال الشيخ المعاصر في أمل الامل : مولانا عبد الرزاق الجيلاني ، فاضل حكيم متكلم ، له شرح الهياكل في حكمة الاشراف - انتهى<sup>(٢)</sup> . وأقول : الظاهر أن مراده هو هذا المولى ، ولكن لم أسمع له شرح الهياكل . فلاحظ .

(١) في اعيان الشيعة ١٩٣/٣٧ : توفي سنة ١٠٥١ .

(٢) أمل الامل ١٤٨/٢ .



# یادنامه حکیم لاهیجی

Türkiye Diyanet Vakfı  
İslâm Araştırmaları Merkezi  
Kütüphanesi

Denirbaş No: 41729

Tasvif No: 1812  
YAD.H

## مجموعه سخنرانیها و مقالات

### فهرست مطالب

- ۷..... عوامل و ویژگیهایی که موجب انعقاد این کنگره شده است  
ترجمه مؤلف کتاب گوهر مراد - آیت الله سید محمد علی قاضی
- ۱۹..... طباطبایی تبریزی (رضوان الله علیه) .....
- ۳۷..... بخش اول: سخنرانیها
- ۳۹..... ارتباط عقل و شریعت - حجت الاسلام و المسلمین ناطق نوری
- ۴۹..... لاهیجی و اصالت ماهیت - دکتر احمدی .....
- ..... بحثی پیرامون «شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام» -
- ۶۳..... استاد واعظ زاده خراسانی .....
- ..... نگاهی به اندیشه و شخصیت ملا عبدالرزاق لاهیجی -
- ۷۵..... آقای دکتر لاریجانی .....
- ۸۹..... بخش دوم: مقالات
- ۹۱..... سیری در آراء ملا عبدالرزاق لاهیجی - سید جلال الدین آشتیانی .....
- ۱۵۷..... حسن و قبح افعال از نظر حکیم لاهیجی - جعفر سبحانی .....
- ۱۶۹..... مسأله حدود و قدم عالم - دکتر احمد بهشتی .....
- ..... قاعده لطف از دیدگاه حکیم لاهیجی و دیگران -
- ۱۹۷..... محمد محمدی گیلانی .....
- ۲۱۱..... حکمای اسلامی و قضایای اخلاقی - صادق لاریجانی .....
- ..... درآمدی بر علم کلام از حکیم ملا عبدالرزاق لاهیجی -
- ۲۲۹..... علی ربانی گلپایگانی .....

یادنامه حکیم لاهیجی (مجموعه سخنرانیها و مقالات) - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،  
سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴. ص ۶۹۴

۱. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، قرن ۱۱ ق. - سرگذشتنامه.  
BP ۵۵/۵ ۲۹۷/۹۹۸۴



سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یادنامه حکیم لاهیجی  
مجموعه سخنرانیها و مقالات  
چاپ اول: پائیز ۱۳۷۴، تعداد ۱۰۰۰ نسخه

توزیع - میدان حسن آباد - خیابان استخر - ساختمان شماره ۳

تلفن: ۶۷۲۶۰۶ و ۶۷۱۴۵۹ و ۶۷۵۸۸۲ - ص. پ: ۱۵۸۱۵/۱۳۱۱

این کتاب با استفاده از کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

# THE HERITAGE OF SUFISM

Volume I, *Classical Persian Sufism from its Origins to Rumi (700–1300)*,

ISBN 1-85168-188-4

Volume II, *The Legacy of Medieval Persian Sufism (1150–1500)*,

ISBN 1-85168-189-2

Volume III, *Late Classical Persianate Sufism (1501–1750)*,

ISBN 1-85168-193-0

## RELATED TITLES PUBLISHED BY ONEWORLD:

*City of Wrong: A Friday in Jerusalem*, M. Kamel Hussein (trans. Kenneth Cragg),

ISBN 1-85168-072-1

*Common Prayer: A Muslim-Christian Spiritual Anthology*, Cragg (ed.),

ISBN 1-85168-181-7

*Companion to the Qur'an*, Watt, ISBN 1-85168-036-5

*Defenders of Reason in Islam: Mu'tazilism from Medieval School to Modern Symbol*,

Martin, Woodward and Atmaja, ISBN 1-85168-147-7

*The Event of the Qur'an: Islam in its Scripture*, Cragg, ISBN 1-85168-067-5

*The Faith and Practice of Al-Ghazālī*, Watt, ISBN 1-85168-062-4

*The Formative Period of Islamic Thought*, Watt, ISBN 1-85168-152-3

*Islam: A Short History*, Watt, ISBN 1-85168-152-3

*Islam: A Short Introduction*, Tayob, ISBN 1-85168-192-2

*Islam and the West*, Daniel, ISBN 1-85168-129-9

*Jesus and the Muslim*, Cragg, ISBN 1-85168-180-9

*Jesus in the Qur'an*, Parrinder, ISBN 1-85168-094-2

*Muhammad: A Short Biography*, Forward, ISBN 1-85168-131-0

*Muhammad and the Christian*, Cragg, ISBN 1-85168-179-5

*Muslims and Christians Face to Face*, Zebiri, ISBN 1-85168-133-7

*Muslim Devotions*, Padwick, ISBN 1-85168-115-9

*On Being a Muslim*, Esack, ISBN 1-85168-146-9

*The Qur'an and its Exegesis*, Gätje, ISBN 1-85168-118-3

*Qur'an, Liberation and Pluralism*, Esack, ISBN 1-85168-121-3

*Rabi'a*, Smith, ISBN 1-85168-085-3

*Revival and Reform in Islam: A Study of Islamic Fundamentalism*, Rahman,

ISBN 1-85168-204-X

*Rumi: Past and Present, East and West*, Lewis, ISBN 1-85168-167-1

*Rumi: Poet and Mystic*, Nicholson, ISBN 1-85168-096-9

*A Short Introduction to Islamic Philosophy, Theology and Mysticism*, Fakhry,

ISBN 1-85168-134-5

*Tales of Mystic Meaning*, Nicholson, ISBN 1-85168-097-7

*What Muslims Believe*, Bowker, ISBN 1-85168-169-8

88186

# THE HERITAGE OF SUFISM

## VOLUME III

*Late Classical Persianate Sufism (1501–1750)*

*The Safavid & Mughal Period*

EDITED BY LEONARD LEWISOHN & DAVID MORGAN

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	88186
Tas. No:	297.79 HER.S



ONEWORLD  
OXFORD

Lahici

## *Sufism and the School of Işfahān*

*Taşawwuf and 'Irfān in Late Safavid Iran ('Abd al-Razzāq Lāhijī and Fayḍ-i Kāshānī on the Relation of Taşawwuf, Hikmat and 'Irfān)\**

LEONARD LEWISOHN

### I. INTRODUCTION

It is generally agreed today that the claim made by both E.G. Browne and Mirzā Muḥammad Qazwīnī that hardly a single Persian poet of merit may be found during the entire Safavid period, such that "under this dynasty, learning, culture, poetry and mysticism completely deserted Persia,"<sup>1</sup> is no longer tenable. Although the patronage and support which Persian poets were offered in Iran were "inadequate compared to India," for Hindustan "appeared to offer better opportunities of economic gain to the Persian poets," scholars generally acknowledge that the claim made by Browne that poetry and Sufism in Iran vanished from Persia during this period is greatly exaggerated.<sup>2</sup> Yet there is no escaping the fact that the flag of Persian mystical poetry hung at half-mast in Iran under the Safavids,<sup>3</sup> while in Mughal India, at least down to

\* I am extremely grateful to Dr Andrew Newman, M.R. Juzi and Terry Graham for their many constructive comments on earlier drafts of this essay.

<sup>1</sup> Browne's *Literary History of Persia* (Cambridge: Cambridge University Press 1956–9), IV, p. 26, cited by both E. Yarshater, "Safavid Literature: Progress or Decline," *Iranian Studies* (1974 pp. 217, and 'Abd al-Ḥusayn Zarrīnkūb in his *Dunbāla-yi Justujū-yi dar taşawwuf-i Irān* (Tehran: Amīr Kabīr 1362 A.Hsh./1983), p. 223.

<sup>2</sup> Aziz Ahmad in his study of "Safavid Poets and India," *Iran*, 14 (1976), pp. 118–19, thus argues that "there is considerable evidence that most of the Safavid monarchs from Ismā'il I to 'Abbās II continued to write poetry and to patronize religious as well as non-religious verse."

<sup>3</sup> "With the exception of Muḥtasham Kāshī and Waḥshī Bāfjī, all the great poets of Safawīd Iran migrated to India, and only one of them, Šā'ib, returned permanently to his homeland," Aziz Ahmad points out in his "Safavid Poets and India," p. 122. "In Persia the Safavid period was a generally unfavourable time for Persian language and literature," concluded Dhabīḥu'llāh Šafā, *Tārīkh-i adabiyāt-i Irān*, II (Tehran: Intishārāt-i Firdaws 1373 A.Hsh./1994, 13th edn), V/I, p. 422; regarding which he supposes that the fact that Turkish and not Persian was the mother tongue of the founder of the dynasty, played a key role (*ibid.*, p. 424).

*That day our friends set out, each went his separate way:  
The pietist into his mosque; I went the vintner's way.  
I sought the Friend; he sought her sheen and radiant display:  
The pilgrim's quest is just as far as the Ka'ba House;  
My quest is always only Her: the Visio Dei;  
The Manor-house is what he'll seek and find;  
But I – my quest is only for the manor's Lord.*

8 AGUSTOS 2003

s. 63-139



# قاموس العالم

تاریخ جغرافیا انسانی و تعمیر اسماء خاصه این جامه‌دار

(تاریخ متعلق: كافة اقوام وادله انبیا، خلفاء صحابه، تابعین، رجال حدیث، ملوك، امراء، وزراء، حکماء، حکماء، علماء، فقهاء، اولیاء، مشائخ، ادباء، شعراء، اطباء، مورخین، سیاحین، اصحاب عرف، اشخاص موهومه اساطیر و الخاضع شرق وغربه وازمنه قديمه و جدیدیه تاگ كافة مشاهیرك اسلمی، ترجیه حائزین و آثار و تالیفاتك تعریفی، جغرافیایه متعلق: كره ارضك منقسم بولندیق قطعات و ملك و ملك و ملك، كینز، بوزنر، قنلر، مانغر، نیرلر، كوتلر ایله اوله لرك، كرك اسك كرك یك قصبه لرك، بیوجك قریه لرك اسلمی، موتلمارین، طول و عرضلرین احوال تاریخیه و طبیعی لری، اهالی لریك مقدارین، باشلیق محمولات و اختراعات لری و الخاضع تقنیات كینزنی شامل و حروف حیا مرسله مرتبدر.)

محرری: ش. سامی صاحب و طابعی: مهراں

## DICTIONNAIRE UNIVERSEL D'HISTOIRE ET DE GÉOGRAPHIE

PAR CH. SAMY-BEY FRASCHERY

EDITEUR MIHRAN

TOME CINQUIÈME

CONSTANTINOPLE

Imprimerie MIHRAN - Rue de la S. Porte N 7. 1896

بشنجی جلد

معارف نظارت جلیله سی طرفندن تقدیر و تحسین اوله رفق طبع اولمشدر.

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	1372-5
Tasnif No. :	5103

استانبول

(مهراں) مطبعه سی - باب عالی جاده سنده نومرو ۷

۱۳۱۴

ف ی ج

۳۴۵۷

ف ی ث

باشامغه وحتی اوزون مدتله سکوته آیشدیروردی. تلامذه سی سر بدانی حکمنده اولوب، کندیسنه اعتقادلری بر درجه ده ایدی، که «استادسویلدی» سوزی هر دلیل و حجتدن قوتلی عد اولنوردی. ارضک کرو بینه، روحک بقاستنه، آخرتجه مکافه و مجازاته و بوتکله برابر تناسخ، و روحک اعمال صالحه و ریاضتله درجه درجه ترقی ایدره رک سعادت ابدیه یه نائل، و سیئات و فسق و فجورله درکه درکه تدنی ایدره رک عذاب جهنمه دوچار اولدیغنه اینانیر. دی. هندلیلردن مأخوذ اولان تناسخ اعتقادندن طولانی اولر کبی حیوان اتی یکندن اجتناب ایدر، و تلامذه سنده ات یکنی منع ایلر ایدی. اعداد و ارقامه خارق العاده بر حکم و قوت ویره رک، عالمه مبدأ و اساس وحدانیت اولدیغنی قبول ایدردی. تألیفا. تندن هیچ بری موجود اولدیغندن، افکار حکیمانیه سیله اصول فلسفه سی تامیه معلوم اولمه یوب، ذکر اولان جهتلی مسوعات و مرویات قیلیندندر. قبل المیلاد ۵۰۹ و بر روایتده ۴۷۲ تاریخنده یوز باشلر نده اولدیغنی حلاله (متاپوته) شهر نده کندیسيله تلامذه سی علیه نده ظهور ایدن بر فتنه ائشاننده قتل اولدیغنی مریدر. علمای عرب فیثاغورسک بروجه اتی بر قاچ تألیفاتی تعداد ایدر ورلر سه ده. بو تألیفاتک زمانلر نده موجود و عربیه مترجمی یوقسه یالکر اسلمی سی منقول اولدیغنی کسدر یله مدی: «کتاب الارتماطیق»، «کتاب الالواح»، «کتاب فی النوم والیقظه»، «کتاب فی کیفیه النفس والجسد»، «رسالة الی متمدن سقلیه»، «الرسالة الذهبیه»، «رسالة الی سقايس فی استخراج المعانی»، «رسالة فی السیاسة العقلیه»، «رسالة الی میمدوسوس».

(یاخود ویتی (Fidji, Viti) فیجی) بحر محیط کبیرک پولینسیا قسمنده انکتره دولته تابع بر طاقم جزایر اولوب، یکی زلانده نك ۱۷۷۵ کیلومتره شمال شرقیسنده اوله رفق، ۱۷۷۸'۱۵°۴۲' ایله ۱۹°۴۸' عرض جنوبی و ۱۷۷۸' ایله ۱۷۸'۲۹' طول شرقی آرله رنده متمد اولدقلری حلاله، تشکیل ایندکلی دایره نك قطری ۵۵۰ ایله ۶۶۰ کیلومتره آرله سنده در. مجموعنک مساحه سطحیه سی ۲۰۸۰۶ مربع کیلومتره اولوب، اهالی ۱۱۹۳۷۰ اهالی ایله مسکوندرلر. نفوس مذکورده ن

صوبی آلب و جوارنده کی سائر کولرله اختلاط ایدر. بالینی یک چوقدر.

**فیاض** (ملا عبدالرزاق) ایران شعراسندن اولوب، لاهیجانلیدر، و اکثریا قنده اقامت ایشدر. اکثر علوم و فنونه و انفس اولوب، ملوک صفویه دن شاه عباس ثانی نامنه «کوهر مراد» عنوانیه مشهور بر تالیفی و اون ایکی بیک بیی حاوی دیوان اشعاری واردر. ۱۰۷۲ تاریخلر نده وفات ایشدر. شو رباعی اونکدر:

وقتست که ترک پیر و استاد دهم  
آموختها را همه از یاد دهم  
با جام می دو ساله در می کدها  
ناموس هزار ساله بر یاد دهم

**فیبیا** (Fipa) آفریقای وسطیده (تافانیه) کولنک ساحل شرقیسنده بر خطله اولوب، ۷° ایله ۸°۵۸' عرض جنوبی آرله سنده متمد اولور، و شرقندن غربه اکی ۱۰۰ کیلومتره قدردر. کولک ایچنده کی آله لرك بر قاچی ده بو خطله به تابعدر. شرق جهتی دوز و غرب طرفی طاعلق و اورمانلندر. پرغ و یاموق اکلکترین یتیشیر. فیل و سائر او حیواناتی چوقدر. حیوانات اهلیه دن انک زیاده بولناتی کیدر. اهالی سی ساکن و مونس آدملردر. زنگبار عربلری (قلیه) قریه سنده بر تجارتگاه تأسیس ایدوب، اورادن زنگبار کاروانلر ایشله برلر.

**فیثاغورس** (یاخود فو تاغوراس - Pythagore, Πυθαγόρας) یونان قدیم اعظم حکما سندن اولوب، میلاد عیسادن ۶۰۸ و بر روایتده ۵۷۲ سنه اول سیسما آله سنده دنیا به کلشدر. وطنده (فرکید) دن تحصیل ایتد. کدن صکره، مصره سیاحتله، اورا حکما سنک اسرارنه و آسیا ام مختلفه سنک مذاهب فلسفه سنه کسب و قوف ایش؛ و قبل المیلاد ۵۴۰ یاخود ۵۳۲ تاریخنده ایتالیا به کچوب، (قروتونه) شهر نده ایتالیا مدرسه سی (Ecole italique) اسمیه شهرت بولان بر مدرسه مخصوصه کشادله، هر طرفندن تهاجم ایدن طلبیه فلسفه سن تدریسه باشلامشیدی. فیثا. غوراس علم و عملی جمع ایدره رک، کندینه مخصوص اعتقادات و اسلوب تمیزی و ارادی؛ و طلبه سی درسدن اول ریاضتله سوق ایدوب، کندی اسلوبنده

ف ی ا

۳۴۵۶

ف م

**فهمی** (مخلصیدر: ایران شعراسندن اوج کشینک برنجیسی (مولانا صدرالدین محمد) کرمانلی اولوب، ملوک صفویه دن شاه عمده رک رجاندن ایدی. تبریزک عثمانلی اردوسی طرفندن محاصره سی ائشاننده و ۹۹۳ تاریخنده شهر مذکور قلعه سنده وفات ایشدر. «صورت ومعنی» عنوانیه بر منظومه سی وخیلی غزلیات و قصایدی واردر. شو رباعی اونکدر:

این مغبیه کوشد آتش افروز کشت  
آتش زده در خرمن صد حور سرشت  
حوران همه دیزم کشن آتشکده اش  
رضوان همه شاخ طوبی آرد ز بهشت

— ایکنجیسی (ری) مضافاتندن اولوب، شو بیت اونکدر:  
که بر احوال زار من نکریست  
که بر احوال زار من نکریست  
— اوجنجیسی کاشانی اولوب، مرتب دیوانی و بر خیلی هجو به لری و ارایسه ده. علمدن بهره سی آز اولدیغندن، اشعاری عبیدن خالی دکدر. شو بیت اونکدر:

سوی خودم چه خوانی از من چو عار داری  
بگذار تا بچرم با من چه کار داری

**فهمی افندی** («حسن فهمی افندی» ماده سنه مراجعت.)  
**فهمی افندی** (خواجه سلیمان —) ۱۲۰۳ تاریخنده استانبولده طومغش؛ و دیوان هاپونده و بعده روم ایلنده قائم مقاملک کی بعضی ماموریتلر ده استخدام اوله رفق، بالآخره خانه سنده لسان فارسی تدریسه مشغول ایکن. ۱۲۶۲ ده وفات ایشدر. دولتشاهک مشهور تذکره الشعرا. سنی طی و اختصار طریقیه ترکیبه ترجمه ایدره رک، «سفینه الشعرا» تسمیه ایشدر.

**فیبا** (Feia) آمریقای جنوبیه برازیلیا ممالک مجتمعه سنک (ریویانیرو) حکو. متمدن قلموسک ۲۰ کیلومتره جنوبیه و غیر محیط آتلانسی ساحلی قریبه کنیش و صیغ برکول اولوب، دکیزدن آیرلش اولدیغنی آکلشیلور. مساحه سطحیه سی ۵۰۰ مربع کیلومتره اولوب، برنهرک

قصبه اولوب، بز و سختیان و فس کی معمولاتی واردر.

**فوهر** (Foehner) شمال دکیزنده اشلسو. بیک ساحل غربی قاریسنده بر آله اولوب، بوی ۱۲ و اکی ۸ کیلومتره اولدیغنی حلاله، ۶۶۰۰ اهالی ایله مسکوندر. مرکزی (ویق) قصبه سیدر.

**فوهی** (Fohi) چینک اسکی بر حکمدار و شاری اولوب، میلاد عیسادن ۲۹۵۰ ویا ۳۳۰۰ سنه اول ظهور ایش اولدیغنی و بر الهک عبادتیه ازدواجی و آویلق و بالفجلیق و موسیقی و یازی کی شیلری ایجاد ایش ایدوکی منقولدر.

**فونفو** (Fuengo) آمریقای وسطینک غواتماله حکومتده و غواتماله شهرینک ۴۰ کیلومتره جنوب غربیسنده و صو پوسکورتن (آغوا) برکانتک غربنده بر ینارطاق اولوب، ۴۲۵۰ متره ارتفاعی واردر. ذروه سی ۱۴°۲۷'۲۵" عرض شمالی ایله ۹۳°۱۳'۴۵" طول غربیه واقدر.

**فونته** (Fuente) اسپانیه ده بو اسمیه بر قاچ قصبه بولوب، باشلیجه لری: بادلیوز ایلتنده رافره قضاسنده و ۱۲ کیلومتره شمال غربیسنده واقع و ۶۱۰۰ اهالی بی جامع اولان (فونته دل مائتره) ایله ینه مذکور ایلتنده واقع و ۵۰۰ اهالی بی جامع اولان قضا مرکزی (فونته ده قانتوس) در.

**فهرج** (Fahraj) فارس ایله اصفهان آرله سنده واقع و فارسدن معدود اوله رفق اسطرخ اعمالندن بر قصبه اولدیغنی جغرافیون اسلام آثارنده مذکوردر.

**فهلقره** (Fahqar) مکران خطله سنده مشهور بر قصبه ایدی.

**فهمی** (محمد) شعراء عثمانیه دن اولوب، صاحب تذکره قتالی زاده حسن چلینک کوچک برادریدر. طریق تدریسه سلوک ایدوب، بر چوق مدرسه لرده مدرس بولنش؛ و ۱۰۰۴ تاریخنده وفات ایشدر. شو بیت اونکدر:  
شکت ایدی لب لعلاک صفای جام چشیدی  
رخک یانده صورت بولدی مرآت اسکندر

## الإمام السيد محسن الأمين

## أعيان الشيعة

## المجلد السابع

حَقَّقَهُ وَأَخْرَجَهُ  
حَسَنُ الْأَمِينِ

(٢) كوه مراد فارسي مطبوع (٣) كتاب منتخب منه فارسي مطبوع (٤) ادخل في شيء شرح الهياكل (٥) الكلمات الطبية في المحاكمة بين المير الداماد والمولى صدرأ في اصالة الماهية والوجود (٦) حواش على حاشية الحضري (٧) شرح اشارات الخواجة (٨) ديوان شعر بالفارسية (٩) شوارق الالهام في شرح تجريد الكلام في مجلدين احدهما في الامور العامة والجواهر والاعراض والثاني في الاهيات وهو غير شرحه الآخر الموسوم بمشارك الالهام الذي لم يخرج منه الا المقصد الاول في الامور العامة ، مطبوع وله كوه مراد في الكلام بالفارسي مطبوع . والثاني في الجواهر والاعراض وشيء من الاهيات في مجلدين .

المولى عبد الرزاق بن المولى مير الجيلاني .

الراكوني الشيرازي مولداً ومسكناً نسبة إلى ران كوه بلدة بجيلان والران بالفارسية الفخذ والكوه الجبل وهي واقعة في سفح الجبل ورجله .

كان معاصراً لعبد الرزاق اللاهيجي والمقارب لعصر صاحب الرياض . في الرياض كان من اجلة العلماء المتكلمين مقارب لعصرنا . له كتاب تحرير القواعد الكلامية في شرح الرسالة الاعتقادية مزجا يعني قواعد العقائد النصيرية الفه لمحمود خان حاكم بلاد كوه . ذكره في الرياض وقال رأته بأصيهان عند الاستاذ يعني المجلسي (اهـ) وجدت منه نسخه مخطوطة بخط المؤلف فرغ منها سنة ١٠٧٧ .

ابو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع البماني الصنعاني الحميري مولاهم

ولد سنة ١٢٦ وتوفي سنة ٢١١ في شوال عن ٨٥ سنة ( والصفاني ) نسبة الى صنعاء .

## الاقوال فيه

ذكره الشيخ في رجاله في اصحاب الصادق عليه السلام بعنوان عبد الرزاق بن همام البماني وقال روى عن الباقر والصادق عليهما السلام وقال البهبهاني في حاشية رجال الميرزا الكبير يظهر من تاريخ وفاته انه ادرك ايام الجواد عليه السلام ثماني سنين وهو المناسب لما يأتي في محمد بن ابي بكر بن همام ( يعني من معاصرة ابيه ابي بكر العسكري ( ع ) ومعاصرته هو لاحد بن مابنداد الذي كان ابوه معاصراً لعبد الرزاق ) فلا يمكن ان يكون راوياً عن الباقر والصادق ( ع ) فلعله من اصحاب ابي جعفر الثاني محمد الجواد وابيه ( ع ) والشيخ ربما توهم فجعل ابا جعفر هو الباقر مع انه الجواد ( ع ) ( اهـ ) وسيأتي عن النجاشي في محمد بن ابي بكر همام ما يدل على جلالة شأن المترجم وحاصله ان احمد بن مابنداد قال اسلم ابي اول من اسلم من اهله ويخرج عن دين المجوسية وهداه الله الى الحق فكان يدعو اخاه سهيلاً الى مذهبه فيقول له يا اخي انك لا تالوني نصحا لكن الناس مختلفون ولا

ابن الشيخ محمد رضا ابن الشيخ محمد تقي ابن الشيخ محمد باقر صاحب البحار ولد سنة ١٢٢٦ وتوفي بالنجف ١٢ جمادي الثانية سنة ١٣١٣ ودفن في الصحن الشريف كان عالماً فاضلاً محققاً مدققاً ورعاً زاهداً من مشاهير تلامذة الشيخ مرتضى الانصاري لزمه من ابتداء امره إلى آخره لا يكاد يفارقه وكتب جميع اماليه ويروي عنه بالاجازة وقرأ أيضاً على صاحب الجواهر وغيرهما خرج من النجف لدين علاه فأقام في سبزوار بطلب من الميرزا ابراهيم السيزواري للتدريس إلى أن مات . له (١) كتاب في الفقه في ثمان مجلدات (٢) كتاب في الاصول (٣) نتيجة الانظار منظومة في الاصول كبيرة لم تتم (٤) شمس الهدى لمن شك اوسها منظومة ارجها بقوله في آخرها في المائتين اثر الف كائنة مع الثمانين وضم الثامنة (٥) نظم منية المرید في آداب المفيد والمستفيد للشهيد الثاني سماه محاسن الاداب قال فيها :

سميتها محاسن الاداب للطلابين من اولى الالباب  
حوت لباب منية المرید وهو كتاب شيخنا الشهيد  
المولى كمال الدين ابو الغنائم عبد الرزاق ابن جمال الدين الكاشاني .

توفي سنة ٧٣٠ .

له شرح منازل السائرين للخواجه عبد الله الانصاري والتأويلات والنصوص وله اصطلاحات الصوفية كتبه بعد الشرح المذكور مطبوع وله لطائف الالهام وله تفسير القرآن الموسوم بتأويلات القرآن او تأويلات الآيات موجودة في الخزانة الرضوية وله شرح نصوص الحكم لمحيي الدين بن العربي وعده القاضي نورالله في مجالس المؤمنين من الشيعة لاجل بعض كلماته .

المولى عبد الرزاق الكاشي .

توفي سنة ٧٣٠ .

له تحفة الاخوان في خصائص الفتيان وبيان حقائق الايمان وهي رسالة في الفتوة .

قال في الرياض :

السيد الامير عبد الرزاق الكاشي فاضل عالم عابد عارف زاهد ورع معروف معاصر من تلامذ الوزير الكبير خليفة سلطان وكان شريك والذي في الدرس وقرأ العقليات على الامير ابي القاسم الغنندرسكي الحكيم .

عبد الرزاق بن نجفقلبي الدنبلي الاذربايجاني .

ولد عام ١١٧٦ وتوفي عام ١٢٤٣ له كتاب المآثر السلطانية وتاريخ الدنابلة وتجربة الاحرار وتسلية الابرار في احوال العلماء والشعراء ، فارسي وجدت من هذا الاخير نسخة مخطوطة في مكتبة البرلمان بطهران الفه باسم فتحعلي شاه القاجاري .

المولى عبد الرزاق بن علي بن الحسين اللاهيجي الجيلاني القمي .

العالم الفاضل الحكيم الشاعر المحقق المدقق المثاله . كان تلميذ ملا صدرأ والمحقق الداماد وهو الذي لقبه بالفياض كما لقب ملا صدرأ ملا محسن بالفياض وكان يدرس في مدرسة قم إلى أن توفي سنة ١٠٥١ .

وكان صهر الملا صدرأ على ابنته . له من المؤلفات (١) شرح التجريد قال صاحب رياض العلماء انه لم يتم وهو غير الشوارق المشهور

5.471

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	1760-7
Tasnif No. :	922-9462 MWH-A

دار التمام للطبوعات

بيروت

1403 / 1983

5.470

# روضاتُ البحوث

## في احوال العلماء والتأديت

تأليف

العلامة المتتبع الميرزا محمد باقر الموسوي النجواني الاصمعي

Türkiye Diyanet Vakfı  
İslâm Ansiklopedisi  
Nispetiye Şubesi

Kayıt No. : 12656-4

Tasnif No. : 922.97  
HAN R

تحقيق  
اسد الله اسماعيليان

عنيت نشره مكتبة اسماعيليان

تهران - ناصر خسرو - پاسارجمیدی  
تلفن ۲۲۲۱۰

قم - خیابان ارم

الجزء الرابع

1391

هذا، وله أيضاً كما في «رياض العلماء»: تلامذة فضلاء، منهم: ولده الخلف الاميرزا حسن صاحب «جمال الصالحين» في أعمال السنة والآداب المستحسنة، وكتاب «سمع اليقين» في الإمامة بالفارسية وغير ذلك.

ومنهم: الحكيم القاضي سعيد المتقدم ذكره، إلى غير ذلك، من التلاميذ. وكان هذا المولى مدرساً بمدرسة معصومة قم المباركة، إلى أن مات بهاسنة إحدى وخمسين وألف، وله ديوان شعر بالفارسية كبير، بل هو كما قيل أكبر من ديوان الفيض بكثير، ومن جملة ما ينسب إليه من الأشعار الفارسية قوله:

سخت بی مهر و جفايشه و پیر فن شده ای جان من خوب بکام، دل دشمن شده ای  
نیستم داغ، که بیگانه ای از من لیکن داغ از آنم، که بفرموده جز من شده ای  
چون طلا، دست فشار دل گرم بودی که میداین نفس سرد، که آهن شده ای  
وله أيضاً:

سنگ بالین کن و آنکه مزه خواب به بین

تا به بینی که چه در زیر سر مردانست

ثم لیعلم ان هذا الشيخ غیر المولى عبد الرزاق بن المولى مير الجيلاني الرازکوی الشيرازي مولداً و مسکناً صاحب کتاب «شرح قواعد العقائد» للمحقق الطوسي، المسمى بـ «تحرير القواعد الكلامية في شرح الرسالة الاعتقادية» وكان من أجلة العلماء المتكلمين المعاصرين لسميته المتقدم ذكره.

وهو أيضاً غير مولانا كمال الدين عبدالرزاق الكاشي العالم العارف المحقق في مراتب التأويل، وعلوم التنزيل ومتأخر عنه أيضاً بكثير، وكان هو في طبقة شيخنا الشهيد الأول، وفي كلمات الشهيد الثاني رحمه الله نناءً بليغ له ولكتابه المعروف في تأويل الآيات، وان الأناصاف أنه لم يكتب في معناه إلى هذا الزمان مثله، وقد ذكره أيضاً صاحب مجالس المؤمنين بعنوان مولانا العارف الكاشف لأسرار الغواشي؛ عبدالرزاق

۳۷۶

المولى عبدالرزاق بن علي بن الحسين اللاهيجي الجيلاني ثم القمي

كان فاضلاً، متكلماً، وحكيماً متشرباً، وأديباً محققاً وليبياً مدققاً، بل منشياً شاعراً ومنطقياً كبيراً.

له تصنيفات كثيرة، في الحكمة والكلام، محكمة المرام، منها كتابه المشهور الموسوم بـ «گوهر مراد» ورسالة أخرى منتخبة منه موسومة بـ «سرمايه ايمان» في إثبات اصول العقائد بطريق البرهان، وفي مقتتح كل منهما شطر بالغ من الإشارة إلى علم المنطق والميزان؛ ومنها شرحه على كتاب «التجريد» وهو المسمى بـ «مشارك الالهام في شرح تجريد الكلام»، ذكر صاحب «رياض العلماء»: أنه لم تتم، بل خرج منه بحث الأمور العامة، وهو غير كتاب «شوارقه» المشهور الذي هو أيضاً في الحكمة، وكتاب «شرح الهياكل في حكمة الاشراف» ومنها «رسالة في حدود العالم» و«حاشية على حاشية الخفري على إلهيات شرح التجريد» و«حاشية على اشارات الخواجه نصير الدين» ومنها كتابه الموسوم بـ «الكلمات الطيبة» في المحاكمة بين سمينا الداماد، وتلميذه المولى صدرا في إصالة المهية أو الوجود، وغير ذلك، وقد كان من أعظم تلامذة المولى صدرا الشيرازي المتقدم ذكره، وزوجاً لابنته مثل المولى محسن الفيض الكاشاني، فآته أيضاً كان كذلك منه، ونقل ان الملقب إياه بالفيض أيضاً، هو استاده المذكور، وكان قد لقب صاحب العنوان بالفيض، فشكت إليه ذلك؛ بنته التي كانت في بيت الفيض و قالت: ان الفيض الذي لقت به زوج اختي أتماه من صيغ المبالغة، وتدل على مزيتته على زوجي، فقال أبوها المحقق المعظم إليه، لابل ان مآلق به زوجك هو أحسن منه، لان ذلك عين الفيض.

\* - له ترجمة في: آتشکده آذر ۱۶۳، الذريعة ۱۴: ۲۳۸، رياض العارفين ۳۸۲، رياض العلماء خ، ریحانة الادب ۳: ۲۳۳، سرخوش ۸۷، سروآزاد ۱۱۴؛ فوائد الرضوية ۲۲۹، مجمع الفصحاء ۲: ۲۷، نتایج الافکار ۵۳۸، هدية العارفين ۱: ۵۶۷.

تألیف استاد علامه  
میرزا محمد علی مدرس

# ریحانة الادب

## فی تراجم المعروفین بالکتب واللقب

### یا کنی و القاب

مشمول بر ترجمه حال  
فقها و حکما و عرفا و علما و ادبا و اطبا و فضلا و  
شعرا بزرگ اسلامی که با لقب و کنیه اشتها دارند.

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
ayıt No. :	11598-4
asnif No. :	922.97 mir.2

جلد چهارم

چاپ دوم  
حق طبع محفوظ است

تیر چاپخانه شفق

+y

فی ۱

-۳۶۱-

مؤلف فيه بالسحر الحلال ات  
لها جزيل الثنا من عليه كما  
والآن اذ جمعه رقت شمائله  
شدا فريخ باييات يقرظه  
ايهى كتاب سماجاها لفاصلة = ۱۸۹۳

فكل لب به في الناس مسحور  
لها من الله اجر فيسه مأجور  
والكل منه تيدى وهو مسرور  
و بيت تاريخه بالدر معمر  
بالسعد فيه بهى الدر منشور = ۱۳۱۰

درسال هزار و سيصد و دوازدهم هجرت در مطبعة اميريه قاهره بطبع اين كتاب شروع و  
بفاصله يك سال خاتمه يافته و سيد محمد حسيني اشعاري در تقيظ آن و تمجيد مؤلفه  
و ماده تاريخ طبع آن گفته و از آن جمله است :

فهامه نحريرة و ذكيرة  
الست زينب فرع دوحه سادة  
ابدت لنا ذا السفر من آثارها ال  
وازداد بالطبع البهيج جماله  
واذا انتهى بالطبع قلت مورخا

شهدت بجودة ذهنها الاعيان  
شادو العلى في الاكرمين وزانوا  
حسنا و اظهر ضبطه الاوزان  
وكساه حللة زينة الاحسان  
الطبع بالدر النضيد بيزان = ۱۳۱۲

وفات سيده زينب درسال هزار و نصد و چهاردهم ميلادی در حدود هزار و سيصد و سی  
و دويم هجری قمری واقع گردید . (خود کتاب در منشور و بعض اطلاعات ديگر)

فهری محمد بن حصين } هر دورا حضرت امام علی النقی لعنت کرده و شرح  
فهری محمد بن نصير } حال ایشان موكول بر حال و كتب مربوطه است .

فهيم افندی از فضالی قرن سیزدهم هجرت و مؤلف كتاب سفينة الشعراء است  
که بزبان ترکی حاوی شرح حال بعضی از شعرا میباشد و از تألیف  
آن درسال هزار و دوست و سی و سیم هجرت فراغت یافته و درسال هزار و دوست و  
پنجاه و نهم در استانبول چاپ شده است و مزایای دیگری بدست نیامد .

فياض ابوالفيض - هندی بعنوان فيضی خواهد آمد .

ملاعبدالرزاق بن علی بن حسین - جیلانی لاهیجی قمی ، عالم عامل  
فاضل کامل حکیم متکلم منطقی محقق بارع مدقق متشرع ادیب  
شاعر ماهر میباشد که علم را با عمل توأم ساخته و از اکابر علمای امامیه و اجلائی تلامذه  
ملاصدراي سالف الترجمة و داماد او هم بود چنانچه ملامحسن فيض آتی الترجمة نیز داماد

-۳۶۰-

ف و ۱

حاج حسينقلي خان ايلخاني بختيارى موجود است که در طرف راست برده صورت مير  
و در طرف چپ آن تصوير شيخ بهائى است .

ناگفته نماند که ميرزا ابوطالب فندرسكى نوۀ ميرفندرسكى که پسر ميرزا بيگ  
ابن ابوالقاسم صاحب ترجمه است شاعرى بوده منشى فاضل از تلامذه علامۀ مجلسى و  
با ميرزا عبدالله افندى صاحب رياض العلماء و نظائر وى معاصر و شريك درس و تأليفاتى  
در فنون متداوله دارد :

۱- ترجمۀ فارسى شرح لمعۀ شهيد ۲- حاشيۀ تفسير بيضاوى ۳- حاشيۀ حاشيۀ  
خفرى بر شرح تجريد قوشجى ۴- سامى که منظومه است ۵- غزوات حيدرلى که نيز منظومه  
است ۶- المنتهى در نجوم ۷- نگارخانه چين که حاوى تمامى مکتوبات و منشآت عربى  
و فارسى خودش است و غير اينها . سال وفات او بدست نيامد و بقرينه زمان جدش  
ميرفندرسكى در اوائل قرن دوازدهم هجرت ميزيسته است .  
(نى و ص ۶ ج ۲ مع ۲۷۷ و ۱۵۵ ص ۱۲ و سطر ۱۲ ص ۱۹۷ و بعض مواضع ذريعه)

سيده زينب - بنت على بن حسين بن عبيدالله بن حسن بن ابراهيم  
بن محمد بن يوسف فواز عاملى ، از ادباى نسوان اوائل قرن  
حاضر چهاردهم هجری میباشد که کامل بارع نجيب فاضل ، و لادش درسوریه بوده و در  
مصر نشأت یافته و وطن کرده و از تألیفات او است :

۱- الدر المنثور فى طبقات ربات الخدور ۲- الرسائل الزينبيه که مجموعۀ مقالات  
او است و هر دو در قاهره چاپ شده است ، اولی در رشته خود بى نظير و بالاطراف از  
مراتب فضل و کمال و اطلاعات وافى مؤلفه حاکی و درسال هزار و سيصد و دهم هجری  
قمری مطابق هزار و هشتصد و نود و سیم ميلادى تأليف آن خاتمه يافته و ادیب يگانه  
عبدالله افندى فريخ در همان سال تقيظى نظمى که حاوی هر دو فقره ماده تاريخ هجری  
و ميلادى اتمام تأليف است بر آن نوشته و بخود مؤلفه محترمه انحاف نموده و از ابیات  
آنست که بعد از تمجيد خود مؤلفه گوید:  
و حبا تحفة منها قد اشتهرت  
فذكرها فى جميع الكون منشور

۱۳۷۴۷۲

مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت

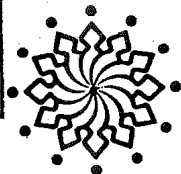
# علامه ذوقنون محمد علی خزین لاهیجی

(۱۵-۱۶ شهریور ۱۳۷۵ لاهیجان)

به اهتمام

## انجمن آثار و مفاخر فرهنگی حجت الاسلام و المسلمین زین العابدین قربانی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	137472
Tas. No:	891.5 MEC.M



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۸۰

کنگره بزرگداشت محمدعلی خزین لاهیجی (۱۳۷۵): لاهیجان).

مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت علامه ذوقنون محمدعلی خزین لاهیجی (۱۵ - ۱۶ شهریور ۱۳۷۵ لاهیجان) / به اهتمام زین العابدین قربانی. - تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰. ۳۳۹ ص. - (سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۲۴۳)

۳۰۰۰۰ ریال: ISBN 964-6278-85-x  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه به صورت زیر نویس.

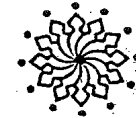
۱. خزین، محمدعلی بن ابی طالب، ۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ق.  
-- کنگره‌ها. ۲. خزین، محمدعلی بن ابی طالب، ۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ ق. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۳. شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق. -- تاریخ و نقد. الف. قربانی لاهیجی، زین العابدین، ۱۳۱۴ - ، کردآورنده. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان.

۸ فا/۵  
۶۴۷/ک

PIR ۶۶۷۲/ک۹  
۱۳۷۵

۸۰-۱۷۴۰۸

کتابخانه ملی ایران  
محل نگهداری:



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت

علامه ذوقنون محمد علی خزین لاهیجی

به اهتمام: حجت الاسلام و المسلمین زین العابدین قربانی

ویراستار: طاهره عدل

ناظر چاپ: محمد رئوف مرادی

چاپ اول، ۱۳۸۰ □ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ برای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی محفوظ است

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیربهداد - خیابان سرگردبشیری (بوعلی) - شماره ۱۰۰

تلفن: ۳-۵۳۷۴۵۳۱، ۵۳۷۴۵۳۰، دورنویس: ۵۳۷۴۵۳۰

دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابورحان و خیابان دانشگاه - ساختمان فروردین - شماره ۱۳۰۴،

طبقه چهارم - شماره ۱۴؛ تلفن: ۶۴۰۹۱۰۱

شابک: ISBN : 964-6278-85-x ۹۶۴-۶۲۷۸-۸۵-x

القرن الثاني عشر ..... ٢٥٧

وعاد إلى قم، وعكف على المطالعة والبحث والتدريس والتأليف، حتى حاز شهرة واسعة، ومكانة علمية رفيعة، دعت الشيخ عبد النبي القزويني إلى الاعتقاد بأنه أفضل من أبيه عبد الرزاق.

وللمترجم مؤلفات عديدة، منها: شمع اليقين في معرفة الحق واليقين (ط) بالفارسية في أصول الدين وقد بسط الكلام فيه في الإمامة، رسالة في أصول الدين (خ) بالفارسية، ألفه الفرقة (خ) في الكلام واختيار ما هو أحسن الأقوال من أقاويل الحكماء والمتكلمين، الدر المكنون (ط) بالفارسية وهو جواب سؤال حول الإمام علي عليه السلام وإثبات إمامته، إبطال التناسخ، زواهر الحكيم الزاهر نجومها في غياهب الظلم (خ) في الفلسفة وأصول الدين، روائع الكلم وبدائع الحكم (خ) في الفلسفة، قدم وحدوث العالم (خ) بالفارسية، رسالة في التقية، السر المخزون (ط) بالفارسية في إثبات الرجعة، هدية المسافر في أحكام السفر، جمال الصالحين بالفارسية في أعمال السنة، وشرح «الصحيفة السجادية» للإمام علي السجاد بن الإمام الحسين عليه السلام، وغير ذلك.

توفي بمدينة قم سنة إحدى وعشرين ومائة وألف، وقبره ظاهر يُزار، يقع في شارع (إرم) المحاذي لمقعد السيدة فاطمة بنت الإمام موسى الكاظم عليه السلام.

معجم طبقات المتكلمين/ج٤ ..... ٢٥٦

٤٧٧

## اللاهيجي\*

(حدود ١٠٤٥-١١٢١هـ)

الحسن بن عبد الرزاق بن علي بن الحسين الجيلاني اللاهيجي الأصل، القمي، العالم الإمامي، الفيلسوف، المتكلم. ولد ببلدة قم في حدود سنة خمس وأربعين وألف.

وتلمذ لوالده الفيلسوف المتكلم عبد الرزاق اللاهيجي إلى أن توفي الوالد سنة (١٠٧٢هـ)، فقام مقامه في التدريس بإلحاح من تلامذة أبيه الذين آثروا تقديمه والحضور عنده على الرغم من كونه أقل منهم عمراً وكفاءة.

ثم سافر إلى المشاهد المشرفة في العراق، وحضر على أساتذتها في الفقه والحديث.

\* رياض العلماء/١/٢٠٧، تذكرة المعاصرين/٤٦، تميم أمل الأمل/١٠٩ برقم ٦١، أعيان الشيعة/٥/١٣٣، طبقات أعلام الشيعة/٦/١٧٧، الذريعة/١/٦٧ برقم ٢٣٠، ١٨٧/٢ برقم ٦٩٨ و ٢٩٢ برقم ١١٨٤، ٤/٤٠٤ برقم ١٧٧٢، ٥/١٢٩ برقم ٥٣٦، ٦/٢٢٩ برقم ١٢٨٦، ١١/٢٥٩ برقم ١٥٨٤، ١٢/١٦٩ برقم ١١٢٧، ١٧/٥١ برقم ٢٧٧ ومواضع غيرها، معجم المؤلفين/٣/٢٣٥، موسوعة طبقات الفقهاء/١٢/٩٦ برقم ٣٦٤٩، معجم التراث الكلامي/١٠٤/١ برقم ١٨٨ و ١٢٥ برقم ٢٩٨ و ٣٠٥ برقم ١١٤٩ و ٤٢٤ برقم ١٧٧٩، ٣/٢٥٣ برقم ٥٩٠٨ و ٤٦١ برقم ٧٠٢١ و ٥٠٥ برقم ٧٢٣٣، ٤/١١٢ برقم ٨٠٦٥ و ٤٤١ برقم ٩٦٦٦.



- Shihab verdi Shihabuddin

- Darvans 2107

- Nevi Jalija 2108

- Hojiri Ali Sayh 2108

- Mir Fayazuddin Mansur 2108

- Ankaravi Ismail Kusurhi 2108

✓ Lahar Abdurrazzak b. Ali

المتوفى سنة ٩٤٨هـ (سبق في التجريد وغيره) .

— إشراق هياكل النور

(ذريعة ١٤: ١٧٧) (في الرد على حاشية

الدواني) خ المسجد الأحمدى بطنطا ٥٤٧

(الأعلام ٧: ٣٠٤) .

إسماعيل بن أحمد البيرامي المولوي المشهور

برسوخى الأتقروى المتوفى سنة ١٠٤٢هـ (سبق

في نائية ابن الفارض) .

— إيضاح الحكم في شرح هياكل النور

(كحالة ٢: ٢٥٩) خ برلين ٣٦٦٨ وجرار

الله ٩٩٣ وشهيد علي ١٧٤٧ .

عبد الرزاق بن علي بن حسين الجيلاني اللاهيجي

المعروف بفياض المتوفى سنة ١٠٥١هـ (سبق في

إشارات ابن سينا) .

— شرح هياكل النور

(هدية العارفين ١: ٥٦٧) .

محمود بن خواجه جهان (بروكلمان ٤: ٣٥٧) .

— شواكل الحور

ح أصفية ٢-١٢٠٨ (يحقق مع شرح

الدواني السابق) .

حسن بن محمد الكردي الزبيري .

○ نظم هياكل النور

نسخ بنفس المكتبة ودار الكتب المصرية

٣٤٩٠ ج وبلدية الاسكندرية ن ٧٢١ ج

والقادرية ببغداد ٦٦٨٠ كوبريلي ٢٧٥ طبع

بمدراس بالهند سنة ١٣٢٣هـ .

عليه الحواشي الآتية :

يحيى بن بير علي نصوح القسطنطيني المعروف

بنوعي المتوفى سنة ١٠٠٧هـ (سبق) .

● حاشية على شرح الجلال الدواني لهياكل النور

(هدية العارفين ٢: ٥٣١) .

محمد زاهد بن محمد أسلم الهروي الكابلي

المتوفى سنة ١١٠١هـ (سبق في تهذيب المنطق

وغيره) .

● حاشية على هياكل النور

(هدية العارفين ٢: ٣٠١) أولها : الحمد لله

العلي العظيم والصلاة والسلام على نبيه

وحبيبه الكريم الخ جامعة الرياض

. ٣٢٧٦

محمد بن علي المعروف بعلي بن أبي طالب

الحزبن المتوفى سنة ١١٨١هـ (ذريعة

٦: ١٤٠) .

● حاشية على شرح هياكل النور .

غياث الدين منصور بن محمد صدر الدين بن

إبراهيم الحسيني المعروف بالدشتكي الشيرازي

## هياكل النور

لشهاب الدين يحيى بن حبش السهروردي المتوفى سنة ٥٨٧هـ (سبق في حكمة الإشراق) .

طبع بمطبعة الكرد بمصر سنة ١٣٣٥هـ وسنة ١٣٧٧هـ .

\*\*\*

يصيب رايات قدرته على كواهل هياكل

الممكنات الخ بمكتبة الأستاذ خير الدين

الزركلي (الأعلام ٦: ٣٢) بخط الشيخ

محمد عبده ، وأوقاف بغداد ٤٨٤٥ وثلاث

جلال الدين محمد أسعد بن أحمد الصديقي

الدواني المتوفى سنة ٩١٨هـ (سبق) .

— شواكل النور شرح هياكل النور

(هدية العارفين ٢: ٢٢٤) أوله : يا من

- Late Safavid Iran', in L. Lewisohn and D. Morgan (eds), *The Heritage of Sufism; Volume III: Late Classical Persianate Sufism: the Safavid and Mughul Period* (Oxford: Oneworld, 1999), pp. 63–134.
51. On whom, see Leonard Lewisohn, 'In Quest of Annihilation: Imaginalization and Mystical Death in the *Tamhidat* of 'Ayn al-Qudat Hamadani', in L. Lewisohn (ed.), *The Heritage of Sufism: Classical Persian Sufism from its Origins to Rumi* (Oxford: Oneworld, 1999), pp. 285–336; and A. J. Arberry, *A Sufi Martyr: the Apologia of 'Am al-Qudat al-Hamadani* (London: Allen & Unwin, 1969).
52. *Naftha*, p. 173.
53. Qur. 49:12. *Naftha*, p. 173.
54. Quoted in Bahār, *Sabk-shināsi*, III, p. 231.
55. *Naftha*, pp. 172–3.

Edit. Ayman Shihadeh, *Sufism and Theology*, Edinburgh 2007

MAKUP YATIM LAMPURAN  
SONBA 01/07/2008

20 JUL 2008

15 AM  
180306

Lahici Abdorrezzak b. Ali

5

## A Sufi Theology Fit for a Shī'ī King: The *Gawhar-i Murād* of 'Abd al-Razzāq Lāhijī (d. 1072/1661–2)

Sajjad Rizvi

The origins of the Safavid dynasty as a Sufi order pose a basic paradox for our understanding of the religious history of early modern Iran. The shift from a charismatic, devotional leadership to monarchy, from *pīr* to *shāh*, meant that the rulers recognised the conflicts between temporal and spiritual authority and hence organised a vehement persecution of Sufi orders in Iran. However, this did not mean that devotion to the Shah could not be expressed in traditional Sufi formulae nor that aspects of Sufi thought and practice were proscribed in the Safavid period as antithetical to the emergent influence of Twelver Shī'ī jurists. There was no essential conflict between *eros* and *nomos*.

This chapter examines the Sufi theology of one particular seventeenth-century thinker who lived in an age when philosophy and mysticism were in vogue despite the protestations of some jurists, and analyses aspects of his major work, a summary of philosophical theology with a strong mystical inclination that was commissioned by Shah 'Abbās II (r. 1642–67) himself and dedicated to him. The text is not just a promotion of Sufi thought at court but also an implicit plea for patronage from a scholar who was out of favour. One needs to recognise that discourses about the permissibility of disciplines at court cannot be divorced from their social and political contexts.

### SUFISM IN THE SAFAVID PERIOD

When the Safavids took Tabrīz in 1501 and established a state, they set an uncomfortable precedent of a Sufi order seizing power on the basis of the charismatic authority of the shaykh and the devotion of his followers. Sufi orders needed to be suppressed to retain the paramountcy of the authority of the Safavid *murshid-i kāmīl*. Alongside the suppression of the orders, genealogists and official chroniclers began the process of inventing a new genealogy of the kings as Mūsawī *sayyids* so that the charisma of descent from the Prophet could bolster their claims to exclusive, charismatic authority.<sup>1</sup> The invented *nasab* became commonplace at the very latest by the middle of the sixteenth century.<sup>2</sup> As such the stress on descent from the Prophet provided Safavid legitimacy and



...  
2409 - عبد الرزاق بن علي بن حسين الكيلاني اللاهيجي

المدرس الشاعر المعروف باللاهيجي المتخصص بفياض التصوف  
1661/1072

(أنظر : كتاب جلي كشف الظنون 59/2 ؛ البغدادي هدية  
العارفين 567/1 ؛ الزركلي الأعلام 352/3 ؛ كحالة معجم  
المؤلفين 218/5)

من تصانيفه :

- 1 - شوارق الأنوار وبارق الأسرار - في الحكمة -  
أماسيه رقم 1597 ورقة 172 ؛
- 2 - شوارق الإلهام في شرح تجريد الأحكام (ف)  
أسعد أفندي رقم 1249 ؛
- 3 - كوه مراد في الأخلاق والموعظة (ف)  
تاريخ التأليف 1052-1058 هـ - أسعد أفندي رقم 1275 ؛  
طاوشانلي رقم 2325 ورقة 270 ؛

MADDE ... İMLANDIKTAN  
SONE ...

2006 EKİM

791 sayfa

علي رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات  
استانبول، الجزء الثاني، [y.y.,t.y.] İSAM 141628 ،